



تغییر سرنوشت «ویتامین ۳» با نظر مردم

گزارشی از سری جدید «ویتامین ۳» در استودیو گلستان

صفحات ۴ و ۵

سپیدمندی سپید صالحی و علی شهباز در پشت صحنه (تألیف: آ. کس)؛ محمدرضا پورحسین طابری

چگونه خانهای بدون سوسک داشته باشیم !!

۴۴۴۲۱۳۳۵ (خط ۱۰)

www.irandh.ir

برای کسب اطلاعات بیشتر، رجوع به صفحه ۵

دفتر پدیدار: ۴۰-۸۸۲۲۸۲۲۶-۲۱ ۲۲-۲۲۲۲۷۲۲۰-۲۱ ۱۸۸۳-۱۸۸۳

سازمان آگهی ها: ۹۰-۸۸۶۷۲۲۸۵-۲۱

www.jamejamonline.ir

یکشنبه‌ها نوآوری‌های IT ایران و جهان

کتاب

زیر سایه سرو

علی افشار

این که برگزاری جشنواره جام جم با طراحی بهتری کلید می خورد و با اجرای بهتری نسبت به دوره قبل تمام می شود، خوشحال کننده است، اما دلیل این همه خوشحالی چیست؟ آیا صرفاً در شکل گیری یک فضای رقابتی نهفته است؟ آیا به جایزه باران تلویزیونی ها برمی گردد؟ آیا در دوری و دیده شدن خلاصه می شود؟

به نظر می رسد مهم ترین عامل موفقیت برپایی جشنواره ای با عنوان جام جم و در حوزه تلویزیون، نگاه تخصصی آن باشد؛ کاری که در سال های قبل نیز جشنواره سیما بنیانگذار آن بود و متأسفانه ادامه پیدا نکرد، ایجاد بخش های رقابتی مختلف بود و جشنواره جام جم نیز در دو دوره پیشین برگزاری خود، از این الگوی درست علمی و رقابتی بهره گرفته است.

این که احکام جداگانه ای برای دبیران بخش های مختلف جشنواره صادر می شود و داوران به صورت تخصصی وظیفه قضاوت کیفی آثار را به عهده می گیرند، شاید در نگاه اول اتفاق مهمی نباشد، اما در نوع خود حائز اهمیت است، چرا که اینجا دیگر قرار نیست صرفاً یک جشن قدردانی از فعالیت همکاران در تلویزیون در حد مراسم و جشن هایی باشد که مثلاً بعد از ماه رمضان یا نوروز برای تجلیل از فعالیت برنامه سازان و هنرمندان صورت می گیرد. به عبارتی دیگر، هر حکمی که برای دبیر یک بخش جشنواره صادر می شود و انتصاب های بخش های مختلف داور، از یک بار مسئولیتی و تخصصی ویژه برخوردار است که براساس آن، دبیر و داوران، در هر مورد انتخاب درست یا نادرستی باید پاسخگو باشند و در چنین فضایی، دیگر کار از تعارف و قدردانی اصطلاحاً دور نمی رود.

سومین جشنواره جام جم ویژه در حوزه هایی مانند فیلم تلویزیونی، مجموعه نمایشی و برنامه های گفت و گو محور ترکیبی می تواند با قضاوت دقیق و سختگیرانه، بهترین نقش تشخیصی و تشویقی را در شناسایی کار خوب از بد ایفا کند، بویژه این که با بین المللی شدن جشنواره، دیگر جای هیچ تعارفی باقی نخواهد ماند و اگر قرار است مسیر تولید در رسانه ملی به سمتی برود که آثار وطنی در کشورهای مختلف محلی برای ارائه داشته باشند، اتفاقاً همین جشنواره می تواند نقشی تعیین کننده داشته باشد.

شاید اگر مسئولان جشنواره سوم به جایگاه نقد در رسانه ملی، توجه بیشتری داشته باشند و به مشارکت آزادانه و مسئولانه منتقدان و کارشناسان در رقم خوردن این رویداد مهم تلویزیونی قائل باشند، بتوان با حضور یک چشم سوم به نتیجه بخشی و پرباری سومین جشنواره امیدوارتر بود.

سروهای جشنواره جام جم می توانند به همان اعتباری نزدیک شوند که سیمرغ برای فجر به همراه آورد و این در عمل باید به بهترین و سختگیرانه ترین شکل اتفاق بیفتد.



اکبر خواجویی / استراحت مطلق



سازندگان سریال های پربیننده تلویزیون، تا زمانی که کارشان روی آنتن می رود خبرساز هستند و وقتی از نظر دور می شوند، جای خالی شان در جعبه جادویی حس می شود؛ اما خبر بد این هفته خانه نشینی اکبر خواجویی، سازنده سریال های پربیننده ای چون «پدرسالار» و «کهنه سوار» است. طبق اعلام پزشک معالج این کارگردان اصفهانی، او که چند ماهی است از بیماری قلبی رنج می برد، این روزها در استراحت مطلق قرار دارد. به گفته دختر این کارگردان، همچنین به دلیل مشکلی که در حنجره او به وجود آمده، مدت هاست دیگر براحتی نمی تواند حرف بزند و گرفتگی صدا همچنان با او همراه است. پزشکان و خانواده او امیدوارند خواجویی بار دیگر سلامت خود را بازیابد و بتواند پشت دوربین قرار گیرد. ما هم امیدواریم و برایش دعا می کنیم.

بهروز شعبی / یک بار دیگر تلویزیون



بهروز شعبی که بیشتر در تلویزیون فعالیت داشته و ساخت فیلم های تلویزیونی شاخصی را در پرونده دارد، در یکی دو سال اخیر با اولین فیلم بلند سینمایی اش (دهلیز) در جمع سینمایی ها مورد توجه قرار گرفت و به خاطر بازی در این فیلم برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم در سی و یکمین جشنواره فیلم فجر در بخش نوعی نگاه شد. اما او یک بار دیگر به خانه اولش برگشته و فیلم تلویزیونی «روزهای آخر اسفند» را کلید زده است. این فیلم محصول مشترک سیما فیلم و معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران است و در آن سعید پورصمیمی، سیما تیرانداز، علی دهکردی، محمدرضا هدایتی، گلاره عباسی، ترلان پروانه، سیامک ادیب و سروش صحت بازی می کنند. از نکات قابل توجه روزهای آخر اسفند، همکاری مجدد سیدمحمد رضوی با شعبی است که دهلیز او را نیز تهیه کرده بود. فیلم تلویزیونی شعبی به چند رابطه خانوادگی در آخرین روزهای سال می پردازد؛ روابطی که قرار است به نو شدن بینجامد.

علی اوسیوند / ایفای نقش یک مرشد زورخانه



بسیاری از ما علی اوسیوند را با بازی خوب در سریال جستجو در شهر به یاد داریم. او که مدتی از تلویزیون به دور بوده است بیشتر سرگرم بازی در فیلم های سینمایی بوده و اکنون با سریال جدیدی به تلویزیون بازگشته است. علی اوسیوند این روزها در سریال «زمانی برای عاشقی» محمدرضا لطیفی نقشی تازه ایفا می کند تا به گفته خودش بالاخره طلسم بازی در کاری از محمدرضا لطیفی شکسته شود. او در گفت و گو با ایسنا گفته: قرار بود چند کار را با آقای لطیفی داشته باشم، اما موفق نمی شدم تا این که در این کار

پس از چند سال حضور پیدا کردم.

اوسیوند درباره این نقش گفته است: من نقش یکی از دوستان قدیمی شخصیت محوری قصه، حاج مرتضی را بازی می کنم؛ شخصیتی که مرشد زورخانه است و طی این ده قسمت حاج مرتضی سعی می کند تعزیه ای را در مکانی که اکنون در مساله وراثت افتاده است و می خواهند آن را از بین ببرند، اجرا کند. بنابراین به دوستان قدیمی اش مراجعه می کند تا آن تعزیه را پیدا کند، در نتیجه داستان های دیگری پیش می آید.

او در گفت و گو با ایسنا از شرایط سخت تولید سریال مناسبی انتقاد کرده و گفته است: متأسفانه شتاب زدگی در کارهای ما اپیدمی شده است و معمولاً کارهای مناسبی را با یک زمان خیلی فشرده و استرس زا شروع می کنیم. گفتنی است سریال زمانی برای عاشقی با وجود همه تلاش ها به زمان پخش خود در دهه اول محرم نرسید.

حسن هدایت / یک روایت تاریخی تازه



حسن هدایت همیشه به تصویر موضوعات تاریخی علاقه نشان داده است. او که پیش از این میرزا کوچک خان را در سینما تصویر کرده بود و با سریال پربیننده «کارگاه» در تلویزیون مطرح شد، این روزها طرح تلویزیونی جدیدی را شروع کرده که «روز سرنوشت» نام دارد.

او از ساخت ایمن فیلم تلویزیونی تاریخی و مذهبی با موضوع محرومیت عزاداری امام حسین (ع) در دوران پهلوی اول خبر داده و درباره موضوع و ویژگی های آن گفته است: در آن دوره تاریخی برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (ع) به مدت ۱۶

سال متوقف بود. در این فیلم علاوه بر بررسی دوران ممنوعیت این مراسم، نخستین سالی را که محرم پس از خفقان رضاخانی به میان مردم آمد، به تصویر می کشیم. به گفته هدایت، این اثر قرار است برای پخش از شبکه یک در اربعین یا بیستم و هشتم صفر آماده شود.

مهران احمدی / یک نقش عجیب و غریب



مهران احمدی، بازیگر تلویزیون و سینما بازی خود را در سریال تلویزیونی «آوای باران» (حسین سهیلی زاده) یک تجربه عجیب و غریب عنوان کرد.

بازیگر نقش شکیب در این مجموعه تلویزیونی به برنا گفت: نقشی که در سریال آوای باران بازی می کنم، متفاوت از تجربه های قبلی من است. این نقش را باید دارای ویژگی های عجیب و غریب و یک برداشت از رمان معروف الیور توئیست و شخصیت فاگین در آن دانست.

وی که نقش شکیب را در دو مقطع سنی با تفاوت ۲۰ سال بازی می کند، عنوان کرد:

خواسته آقای سهیلی زاده به عنوان کارگردان هم از ابتدا این بود که این نقش را به سمت و سوی تپ - کاراکتر ببریم. این نقش هم مثل همه نقش ها، لحنی خاص دارد؛ اما برای ایفای آن از لهجه استفاده نمی کنم. طبقه ای که به آن تعلق دارد، طبقه فرودست جامعه است و ویژگی های او هم وابستگی اش به این طبقه را به مخاطب انتقال می دهد.

این هم یک اظهار نظر جالب از احمدی درباره درام چاقی موجود در این سریال: این سریال ۴۰ قسمتی است و قطعاً داستان یک کار با این تعداد قسمت باید بار معنایی زیادی داشته باشد. اساساً درام چاقی برای بیننده جذابیت دارد!

فرزاد حسنی / ۴۰ سالگی هنرمندان



حضور فرزاد حسنی در هر برنامه تلویزیونی و رادیویی آن برنامه را به برنامه ای پرمخاطب و البته پرحاشیه تبدیل می کند.

حضور فرزاد حسنی در این روزها در یک برنامه جدید در رادیو، او را به یکی از خبرسازان هفته ای که گذشت بدل کرد. این برنامه جدید «چهل سالگی» نام دارد و با اجرای فرزاد حسنی از رادیو نمایش روی آنتن می رود. در این برنامه با دعوت از هنرمندان رادیو، تئاتر، سینما و تلویزیون، آنان در موقعیت های متفاوتی قرار می گیرند و تلاش می شود به وجوه ویژه ای از شخصیت و روحیات آنان پرداخته و درونیات و خلقیات آنها مورد توجه قرار گیرد. فرزاد حسنی پس از اجرای برنامه نوروز ۹۰ شبکه سه

در تلویزیون و رادیو اجرا نداشت. او برای مدتی کوتاه اجرای برنامه ای در رادیو فصلی را به عهده گرفت و چندی پیش هم در برنامه «صبحی دیگر» شبکه آموزش همراه با همسرش به مناسبت ولادت امام رضا (ع) حاضر شد و در بخشی از این برنامه شعر احساسی را خطاب به همسرش قرائت کرد که به گفته بسیاری اقدامی بی سابقه در یک برنامه تلویزیونی بوده است.

اجرای آرزو نامداری همسر فرزاد حسنی در برنامه «غیرمنتظره» و دعوت از مردی دارای ۳ زن در این برنامه حاشیه های بسیاری را در زمان پخش این برنامه به دنبال داشت.

برندسازی وطنی در انیمیشن

چرا «شکرستان» مدتی سر زبان‌ها بود و بعد رنگ باخت؟

نادر علیمردانی / کارگردان و تهیه‌کننده انیمیشن



دنیای کودک سرشار از تخیل، حرکت و پویایی است و این خیالسازی و خیالپروزی زمینه‌ساز رشد فکری و شناخت بهتر او از زندگی می‌شود و به پرورش استعدادها و کمک شایانی می‌کند.

یکی از مهم‌ترین راه‌های خیالسازی برای هر کودکی، تماشای تلویزیون بخصوص نشستن پای فیلم‌های انیمیشنی است. کودک، خود را به جای قهرمان داستان می‌گذارد، با او ماجراها را دنبال و داشته‌ها و نداشته‌هایش را جستجو می‌کند. از همین رو داستان، فیلم و انیمیشن همیشه و در هر سرزمین و هر شرایطی برای کودکان ماوایی می‌شود تا آنچه را دوست دارند در دنیای کودکی و پر تخیل خود به دست آورند و همین می‌شود کودکان با قهرمانان خود ارتباط برقرار و زندگی می‌کنند. حال اینجا نقش رسانه پررنگ شده یا همچون آسیبی در کمین یا مانند آموزگاری مهربان خودنمایی می‌کند.

آسیب در کمین از این نظر که اگر آنچه مخاطب ما به آن دل بسته است، متناسب با فرهنگ جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، نباشد و با خلق و خو و هنجارهای جامعه‌اش در تضاد باشد، مخاطب را دچار سردرگمی کرده و در یافتن راه درست و نیل به ریشه‌های فرهنگی‌اش دچار مشکل می‌کند. البته به این معنا نیست که کودکان ما نباید نسبت به دنیای خود و دروازه‌های گسترده‌تر به جهان اطراف شناخت پیدا کنند، بلکه مهم این است که چنین شناختی از چه منظر و با چه پیشینه فرهنگی صورت گیرد.

شاید چنین دغدغه‌هایی باعث می‌شود کانون پرورش فکری، حوزه هنری و در سطحی گسترده‌تر مرکز صبا دست به تولید و حمایت از آثار انیمیشنی بزند و هنرمندان این رشته، سختکوشانه پیگیر ساخت آثاری با رنگ و بوی ایرانی - اسلامی باشند که این تلاش و همت در جای خود بسیار قابل تقدیر است. اما نکته تأمل‌برانگیز این است که چرا و به کدام دلیل، کودکان ما با قهرمانان آثار تولید شده همذات‌پنداری

مردم در قاب

اندر مزایای برنامه‌ریزی

محمد رضا لطفی

یکی از اقدامات بسیار مثبت و خوب تلویزیون در چند وقت اخیر راه‌اندازی سیستم جدول پخش برنامه‌ها یا همان EPG است که می‌تواند قدم رو به رشد و خوبی به شمار بیاید و می‌توانیم امیدوار باشیم تلویزیون و مدیران آن در صدد به روزرسانی این مدیوم همگام با امکانات روز دنیا هستند.

در ادامه این حرکت - که نشان‌دهنده ثبات در برنامه‌ریزی و جدول‌سازی است - بد نیست برنامه‌ها در طولانی‌مدت نیز اعلام شود؛ یعنی هر شبکه برنامه‌ها و مجموعه‌های تولیدات خود را هر ساله اعلام کند. کاری که شاید در نگاه اول و نخست غیرممکن به نظر بیاید، اما از یاد نبریم تصویب، نگارش، تولید و پخش یک مجموعه به طور عادی بیش از یک سال زمان می‌برد و قطعاً اگر یک برنامه‌ریزی درست و صحیح پشت ماجرا باشد، چنین امری کاملاً شدنی است که این کار چند امتیاز بشارت مثبت و خوب دارد.

نخست آن که برنامه‌سازان و گروه‌ها را کاملاً به برنامه‌ریزی عادت می‌دهد.

دوم آن که تولیدات دقیقه نودی و سردستی و داغ داغ تا حد زیادی از میان می‌رود؛ در ضمن مفهوم برنامه‌ریزی و تقسیم کاری برنامه‌سازندگان یک اثر تا حد زیادی مشخص می‌شود و این فرآیند در بلندمدت ایجاد نظم می‌کند و خیلی از ایرادات و اشکالات هم از میان می‌رود. این موضوع بحث پیچیده‌ای نیست و سال‌هاست بسیاری از شبکه‌های موفق دنیا از این شیوه یعنی اعلام برنامه‌های دقیق سالانه و حتی گاهی دوساله خود استفاده می‌کنند و مخاطب هم با خیال راحت می‌داند که وزن و وقار فلان شبکه در طول سال بعد قرار است چقدر باشد.

همین موضوع نیز سال‌هاست کمر سینماگران و سینمای کشور را خم کرده است و این که شرایط و تاریخ نمایش‌ها و اکران هیچ وقت مشخص نیست همواره لطمه بدی به شاکله سینما زده است. اما در جایی مانند هالیوود شما در مرحله فیلمبرداری، از تاریخ اکران و سالن‌های خود مطلع هستی و تکلیف و خیالت با خیلی چیزها روشن است. شاید باور نکنید فیلمی که در مرحله پیش تولید قرار دارد، تاریخ اکرانش در دو سال آینده معین است، مانند شبکه‌های موفق تلویزیونی که هنگام آغاز تولید می‌دانند کار قرار است

در چه ماهی و چه ساعتی پخش شود و این یعنی یک سیستم حرفه‌ای و درست. می‌دانم ما تا رسیدن به آن مرحله فاصله زیادی داریم اما ایمان داشته باشید این فشار و سختگیری‌ها می‌تواند یک مجموعه و سیستم را متحول کند. ما باید یاد بگیریم با برنامه‌ریزی جلو برویم و این شیوه صحیح و درستی نیست که حتی انتخاب مجموعه‌های مناسبی مان هم در دقیقه نود عوض می‌شود و به هم می‌خورد و جابه‌جا می‌شود. این مسیر می‌تواند بسیار مشکل‌ساز باشد و یقین داشته باشیم تا زمانی که کمی به خود سختی ندهیم و وارد فضای حرفه‌ای برنامه‌ریزی نشویم، پیشرفتمان چشمگیر و قابل ملاحظه نخواهد بود.

چه اشکالی دارد شبکه‌ای بدانند که قرار است در ماه مبارک رمضان دو سال بعد چه پخش می‌کند؟ چه ایرادی دارد چارچوب سریال‌ها، جنگ‌ها، مستندها، برنامه‌های اجتماعی و تاک‌شوهای معلوم و معین باشد؟ باور و ایمان داشته باشیم چیز خیلی سختی نیست. این طبیعی است که یک سریال‌ساز اگر بداند کارش قرار است در چه تاریخی روی آنتن برود شرایط روحی و روانی بهتری را طی می‌کند و همین طور سایر برنامه‌سازان و ...

برای اجرایی کردن چنین طرح و سیستمی می‌توان از راه‌ها و مسیرهای مختلفی وارد شد و آن را عملی ساخت. به شرط آن که مدیران ارشد به پیامدهای مثبت چنین طرح یا طرح‌هایی از این دست اعتقاد و ایمان داشته باشند.

که بتوانیم قهرمانی خیالی با نشانه‌های فرهنگی خود ساخته و عرضه داریم. پس چرا چنین اتفاقی نمی‌افتد؟ چرا انیمیشنی همچون «شکرستان» که تازه آن هم اثری برای مخاطب کودک نیست، مدتی سر زبان‌هاست و زود رنگ می‌بازد؟ چرا آریو «پهلوان کوچک» که در نامش هم از مرام پهلوانی سخن می‌گوید، بدرستی دیده نشده و برند نمی‌شود؟ چرا مجموعه‌های همچون «پهلوانان»، هیچ قهرمانی برای مخاطبانش باقی نمی‌گذارد؟ آثار اینچینی بسیار است؛ آثاری که فاخر هستند اما در تاثیرگذاری موفق عمل نمی‌کنند یا محدود به زمان کوتاهی می‌شوند. به راستی مشکل از کجاست؟ تولید، پخش یا نگاه محدودنگر به ماجرا؟ اما هر چه هست، امر مهمی است که باید در سطح وسیع به آن پرداخته شود تا باشد کودکان ما با قهرمانانی اصیل و برخاسته از فرهنگ ایرانی - اسلامی خو بگیرند.

نمی‌کنند و هنوز به دنبال دیدن آثاری چون بن ۱۰، باب اسفنجی و از این دست هستند؟ چرا کودکان ما دوست دارند لباسی تن کنند، در لیوانی چای ایرانی بنوشند و از وسایلی استفاده کنند که تصویر قهرمانان آثار ذکر شده روی آنها باشد؟ آیا این ضعف فرهنگی کودکان است؟ ناآگاهی خانواده‌هاست؟ یا موفق نبودن و ناتوانی ما سازندگان آثار انیمیشنی است که نتوانسته‌ایم قهرمانان خوبی خلق و به مخاطبان عرضه کنیم؟ در نگاهی جامع، همه نکاتی که ذکر شد قابل تامل است، اما آنچه نگارنده قصد تأکید بر آن را دارد، ناتوانی ما در قهرمان‌پروری و ارائه درست این قهرمانان به مخاطب است. ما در فرهنگ ایرانی - اسلامی خود به معنای واقعی قهرمان کم نداریم. از بزرگان مذهبی و اسلامی گرفته تا پهلوانان اساطیری و حماسه‌سازان دفاع مقدس، همه قهرمانانی قابل پرداخت هستند. حتی فرهنگ ایرانی - اسلامی ما آنقدر غنی است

تلویزیون؛ سهم من از هر اتفاق

رکسانا قهقرایی

و نمایش تصاویری از مراسم به خاکسپاری ایشان. خبری اقتصادی هم درباره معاملات ارز و سهام و آخرین قیمت‌های سکه و طلا هم پخش می‌شود. یک بسته خبری فشرده و زودهضم برای قرارگرفتن در جریان اتفاقات پیرامونی.

پخش اخبار تمام می‌شود. تلویزیون را خاموش می‌کنم. خانه تاریک و ساکت است و من هم، فقط انبوه فکری‌هایی که برگرفته از اخبار شنیده شده ذهنم را درگیر خود کرده است. یک زلزله، چند رویداد فرهنگی، یک درگذشت سیاسی، همراه با کمی چاشنی اقتصاد

و گردشگری، همه اینها از صبح تا حالا اتفاق افتاده است. زمانی که من آرام در گوشه‌ای از اتاق مشغول نوشتن یک گزارش بوده‌ام.

وقتی خانه تاریک بود و هیچ صدایی نبود شهری به خود لرزید. قیمت طلا و ارز کاهش یافت. کسی مرگ را تجربه کرد و چهارراه هنر شلوغ و ترافیک بود. سهم من هم از این همه اتفاق مورشان است در بعدازظهری تاریک و خلوت.

این فکرها ذهنم را درگیر کرده است و تلویزیون را باعث این تلنگر می‌دانم. جعبه‌ای که هر چیزی را با من در میان می‌گذارد، اما نمی‌توانم با او درد دل کنم و اندیشه‌ام را برایش بازگو.

تلویزیون، جدی‌ترین سهم هر فرد از حادثه است در دنیای رسانه‌ای اکنون. شاید کوچک‌ترین سهم آن را باید لحظه‌ای دانست که در میان جمعی حضور داری و وقتی سر صحبت از فلان قضیه باز می‌شود تو هم می‌گویی آری، شنیده‌ام!

از روی صندلی بلند می‌شوم. یک لیوان چای می‌ریزم و بدون قند سر می‌کشم. صدایی نیست مگر چک‌چک قطره‌های باران که به شیشه می‌زند. احتمالاً از غصه زلزله امروز است. سهم آسمان هم از اتفاقات امروز بعد از شنیدن اخبار از تلویزیون می‌شود باران.



تغییر سر نوشت «ویتامین ۳» با نظر مردم

گزارشی از پشت صحنه سری جدید «ویتامین ۳» در استودیو گلستان

مانده میری

حدود یک ماه و نیم از شروع سری جدید «ویتامین ۳» می‌گذرد. یک سال پیش بود که این برنامه به تهیه‌کنندگی علی زاهدی و اجرای سیدعلی ضیاء هر روز غیر از پنجشنبه و جمعه، زمان صبحگاهی شبکه سه سیما را به خود اختصاص داد و این آغاز با استقبال مردم به تداوم رسیده است.

پنجشنبه ساعت ۸ صبح سوم محرم طبق قرار از پیش تعیین شده و هماهنگی‌های صورت گرفته روانه استودیو گلستان سیما فیلم می‌شوم تا گزارشی از پشت صحنه این برنامه صبحگاهی تهیه کنم. افشین حسین خانی، مسئول آفیش مهمانان برنامه به لابی می‌آید و با او همراه می‌شوم. وارد اتاق کوچکی در انتهای راهرو می‌شوم و از آنجا با چند پله به اتاق رژی می‌روم. اتاقی نسبتاً بزرگ که امور مربوط به صدا، چیدمان بخش‌ها و مدیریت صحنه را شکل می‌دهند. گوشه این اتاق با دو پله به استودیوی پخش برنامه ویتامین ۳ می‌رسد.

وارد استودیو می‌شوم. حدود ۲۰ نفر به انجام کارهای مختلف مشغولند، سه نفر تصویربردار و بقیه، اعضای صحنه و دکور هستند. علی ضیاء هم با علی زاهدی، تهیه‌کننده مشغول صحبت است. مهمان برنامه امروز یک فوتبالیست است: سیدمهدی سیدصالحی از بازیکنان تیم پرسپولیس و بازیکن اسبق استقلال! اینجا و روی صندلی یکی از چهار دکوری که در این استودیو وجود دارد، نشسته و منتظر زمان حضورش در برنامه است. من هم دکور برنامه «شب‌های نورانی» را برای نشستن انتخاب می‌کنم که درست روبه‌روی دکور ویتامین ۳ قرار گرفته است.

جالب است بدانید این استودیو برای دکور چهار برنامه در نظر گرفته شده است. برنامه‌هایی چون «سلامت باشید» و «سمت خدا» (شبکه سه)، «شب‌های نورانی» (شبکه قرآن) و ویتامین ۳ که هر کدام در گوشه‌ای از این سالن قرار دارند، اما دکور ویتامین ۳ با رنگ نارنجی، بیشتر از بقیه توجه هر فردی را جلب می‌کند.

علی ضیاء قبل از قرار گرفتن جلوی دوربین با لباس‌های شخصی‌اش دیده می‌شود، اما برای حضور جلوی دوربین کت و شلوار می‌پوشد.

تا شروع برنامه یک دقیقه زمان هست. در این یک دقیقه، مجری در جای خود و در فضای خارج از استودیو قرار می‌گیرد و مشغول ادامه تمرین خواندن شعری از کتابی می‌شود که در دست دارد.

برنامه امروز با خوانش شعری در مدح سیدالشهدا (ع) آغاز می‌شود و بعد تیتراژ امروز با صدای بنیامین بهادری و تصاویر کربلا پخش می‌شود و دوباره به استودیو برمی‌گردیم. در سری جدید برنامه ویتامین ۳، تیتراژ ابتدا و انتها از سوی مهدی شکوهی و مهدی مقدم اجرا می‌شود. مجری برنامه طبق تصاویر موجود روی ال‌سی‌دی که در سری جدید برنامه چیزی شبیه تلفن همراه است، اطلاعاتی را به مردم می‌دهد. تصاویر، مربوط به کودکانی است که لباس سیاه پوشیده‌اند. مجری می‌گوید: همه ما از بچگی با عشق امام حسین (ع) بزرگ شده‌ایم. او در ادامه می‌گوید: در روزهای آینده، باز هم صحبت‌های محمود کریمی را پخش خواهیم کرد، در ضمن می‌دانیم خیلی‌ها از حرف‌های خوششان نیامده، اما اشکالی ندارد.

بخش بعدی برنامه صحبت‌های رضا شاهرودی درباره زندگی کاری و شخصی‌اش است که با اعلام مجری، پخش می‌شود. یکی از حرف‌های شاهرودی که به نظر جالب می‌آید، این است که شنیده‌ام خیلی‌ها می‌گویند فوتبالیست‌ها پول‌های آنچنانی می‌گیرند. در پاسخ به آنها باید بگویم اگر شما هم توانستید صبح و عصر در زمین



عکس: محمدرضا پیر حسن طاباچی

کردیم و همچنین آلودگی هوا هم یکی دیگر از سوژه‌های برنامه در سری جدید بود. در کل برنامه بیشتر به سمت گفت‌وگو محور رفته است و فضای چالشی ایجاد خواهد کرد.

زاهدی درباره این که چند مجری خوب تلویزیون با برنامه‌های او دیده شده‌اند، می‌افزاید: مجری، حرف اول را در برنامه‌های گفت‌وگو محور می‌زند. در ضمن پیدا کردن مجری خوب هم یکی از تخصص‌هایی است که یک تهیه‌کننده باید داشته باشد. مجری یکسری ویژگی‌های ذاتی و یکسری ویژگی‌های اکتسابی دارد و من شیوه کار کردنم به این سبک است که اگر ویژگی‌های ذاتی او را ببینم کارم را با او شروع می‌کنم و به مرور زمان، خصیصه‌های اکتسابی را به او یاد می‌دهم.

او درباره مهمان‌هایی که به این برنامه دعوت می‌شوند، می‌گوید: اصل اول ما افرادی هستند که در شرایط نابسامانی زندگی، باز هم به زندگی امید دارند و در وهله بعدی افراد خاص را در نظر می‌گیریم.

وی اجرای علی ضیاء را در قالب این برنامه تحسین می‌کند و ادامه می‌دهد: برای مثال در برنامه امروز که خودتان دیدید، سید صالحی بیشتر زمان برنامه را در دست گرفته بود، مجری ما با زیرکی بسیار هیچ وقت صحبت مهمان را قطع نکرد و وقتی دید روند درستی را ادامه می‌دهد او را به سمت خوبی هدایت کرد. دقیقاً برخلاف خیلی از مجریان ما که به دلیل علاقه به دیده شدن از این کارها می‌کنند.

پس از گفت‌وگو با تهیه‌کننده ویتامین ۳ دوباره به استودیو برمی‌گردم و می‌بینم دومین مهمان برنامه در حال ورود به داخل استودیوست. محمدرضا توایی مشبک‌کار در دقایق پایانی برنامه وارد دکور ویتامین ۳ می‌شود و درباره کارهایش و این که ترکیه می‌خواسته آثار او را با نام کشورش ثبت کند، صحبت می‌کند و می‌گوید آنقدر برای کشورم ارزش قائلم که هیچ‌گاه چنین کاری نخواهم کرد.

او ادامه می‌دهد: بتازگی می‌خواهم نمایشگاهی با عنوان «بسم‌الله» برگزار کنم. توایی دو نمونه از کارهایش را آورده که با کمک یکی از بچه‌های پشت صحنه و علی ضیاء تابلوی دوم جایگزین تابلوی اول او می‌شود.

مجری با مهمان‌ها خداحافظی می‌کند و در پایان، قطعه شعری را به مناسبت محرم می‌خواند و برنامه با پخش تیتراژ انتهایی به پایان می‌رسد.

نور پروژکتورها خاموش و دکور بسختی دیده می‌شود. علی ضیاء، مهمان‌هایش را بدرقه می‌کند و عکس‌های یادگاری‌شان را با یکدیگر می‌اندازند.

علی اکبر تاسیس کردیم و خودم هم هرازگاهی در این تکایا مداحی می‌کنم. او با درخواست ضیاء دقایقی کوتاه را در برنامه به مداحی می‌پردازد. سیدصالحی علاوه بر بازی خوبش، صدای بسیار خوبی هم در مداحی دارد و در این مدت زمان کوتاه، حال و هوای برنامه را به سمت محرم می‌برد. پس از مداحی این بازیکن، تصاویری پخش می‌شود و در این مدت مجری که حال و هوای روحانی برنامه او را هم منقلب کرده بود، بسیار از صدا و مداحی او تعریف می‌کند.

ضیاء در ادامه، با سیدصالحی درباره فوتبال ایران و دلیل پیشرفت کردن و نکردن برخی بازیکنان با یکدیگر صحبت می‌کند.

سراغ علی زاهدی تهیه‌کننده برنامه می‌روم و دقایقی کوتاه با او هم‌کلام می‌شوم. علی زاهدی تاکنون برنامه‌هایی چون پنجره، کوله‌پشتی، جزو و مد، ماه عسل، گزینه جوان، نیمروز، دیروز امروز فردا، سلامت باشید، عشق من ایران من و... را در کارنامه کاریش دارد. او که به طور معمول برنامه‌هایی جوان‌پسند را تهیه می‌کند در این باره به قاب کوچک می‌گوید: من ابتدا برنامه پنجره را برای شبکه سه کار کردم و بعد از آن ناخودآگاه به سمت این سبک برنامه‌ها رفتم. در این سال‌ها در همه کارهایی که حضور داشتم واقعا به طور گروهی کار کردیم و خیلی اسامی معنی ندارد، چراکه همه با هم در پیشبرد برنامه به یکدیگر کمک می‌کنیم. ضمن این که وقتی در این فضا قرار گرفتیم دیدم تمایل خودم هم به این سبک برنامه‌هاست و به عبارتی در این ژانر جا افتادم.

وی ادامه می‌دهد: ابتدا قرار نبود ویتامین ۳ را بسازیم، بلکه قرار بود همان نیمروز را که برنامه قبلی همین گروه بود، روانه آنتن کنیم؛ اما پس از تغییر و تحولی که در مدیریت شبکه سه اتفاق افتاد با بازنگری متوجه شدیم برای زمان صبحگاهی شان برنامه‌ای می‌خواهند و انتخاب نامش هم پروسه عجیبی را طی کرد تا بالاخره تأیید شد و از همان ابتدا ما منظورمان به ویتامینی بود که مختص شبکه سه بود نه این که صرفاً به ویتامین C بخواهیم اشاره کنیم، اما دکورمان المان‌هایی از این ویتامین را نشان می‌داد درست مثل برنامه نیمروز که برای لوگوی آن از طرح نیمرو استفاده کردیم.

این تهیه‌کننده درباره سری جدید ویتامین ۳ می‌گوید: در این سری از فضای قبلی‌مان دور شدیم و با گذاشتن میز و اضافه کردن صندلی نشان دادیم که می‌خواهیم فضای جدی‌تری را تجربه کنیم و به دغدغه‌های مردم می‌پردازیم. برای مثال دیروز مشکل داروهای بیماران سرطانی را مطرح کردیم و با مسئول مربوط صحبت

فوتبال تمرین کنید ببینید و ادعا کنید!

در فواصل برنامه، بین بخش‌های زنده علی ضیاء به سمت نان و پنیری که روی میز قرار دارد، می‌رود و لقمه‌های کوچکی می‌گیرد تا حضور بعدی روی آنتن... غیر از مجری، حالا دیگر همه عوامل چشم از صفحه ال‌سی‌دی برمی‌دارند و تا پایان، حرف‌های این بازیکن سابق فوتبال ملی را گوش می‌کنند. هوای داخل استودیو سرد است و کم‌کم این سرما بیشتر هم می‌شود. سیدصالحی، مهمان این برنامه روی صندلی نشسته و او هم با دقت به حرف‌های شاهرودی گوش می‌دهد.

سپس نوبت بخش خبری است که از سوی آزاده پیراکوه اجرا می‌شود. خبر امروز درباره حضور سب‌پلاتر در ایران است و خبر رسیده او برای حضور در این برنامه اعلام آمادگی کرده است.

در این استودیو پنج دوربین به چشم می‌خورد که سه دوربین برای تصویربرداری، یک دوربین مختص تصاویر پشت صحنه و یک دوربین هم دوربین عکاس ویتامین ۳ است. در فواصل بین بخش‌ها، زاهدی داخل استودیو می‌آید و با مجری و دیگر عوامل نکاتی ریز را رد و بدل می‌کند.

دکور برنامه، کاملاً با نام برنامه هماهنگ است. هر طرف از این فضا را که نگاه می‌کنی برتقال می‌بینی! جالب این که فضای نارنجی و قرمز، مخاطب را خسته نمی‌کند، اما به نسبت دکور قبلی، کمی تغییرات از سوی پیمان قانع، طراح دکور و صحنه برنامه ایجاد شده که آن هم میز جلوی مجری و صندلی مهمان است.

چهره‌پرداز برنامه، سیدصالحی را برای حضور جلوی دوربین آماده می‌کند. او وارد استودیو می‌شود و ابتدا از جلسه دیروز می‌گوید که به دلیل بازی پرسپولیس نتوانسته در آن حضور داشته باشد. سیدصالحی ادامه می‌دهد: امسال پرسپولیس یکی از بی‌حاشیه‌ترین سال‌ها را خواهد گذراند! که با تعجب علی ضیاء مواجه می‌شود، اما همچنان روی حرفش مصر است. او از خاطره آسیب‌دیدگی پایش تعریف می‌کند و می‌گوید: زمانی که مصدوم شده بودم به حضرت زهرا (س) متوسل شدم و در اولین بازی بعد از بهبودم پیراهنی را با نام ایشان پوشیدم و از معجزاتشان این بود که من درست بعد از بازگشتم توانستم در هشت بازی ۹ گل بزنم. من زمانی آقای گل آسیا بودم، اما در فوتبال ما متأسفانه زمانی که مصدوم می‌شوی، دیگر کسی یادت نمی‌کند!

این بازیکن فوتبال از خاطرات کودکی‌اش در ماه محرم می‌گوید: از کودکی در محله‌مان هیاتی با نام جوانان

چگونه خانهای بدون سوسک داشته باشیم!؟



دستگاه دفع دائمی حشرات و حیوانات موذی (بدون استفاده از مواد شیمیایی) به وسیله صوتی که فقط حشرات و حیوانات موذی قادر به شنیدن آن هستند که این صوت به صورت نامتناوب منتشر شده و باعث ریشه کن شدن سوسک، موش، مار، عقرب، ساس، کک، کنه، مورچه، موربانه و دستگاه‌هایی برای دفع پشه، مگس، سگ، گربه و حتی پرندگان مزاحم؛ از محیط زندگی و خانواده شما می‌شود.

• قابل انتقال

• مصرف ناچیز برق: حداکثر ۴ وات

• بدون ضرر برای انسان و حتی حیوانات خانگی

• استفاده آسان: کافیتست دوشاخه دستگاه را به پریز برق بزنید.

• یکبار هزینه می‌کنید و برای همیشه زندگی آرامی خواهید داشت.

• ریشه کن کردن و پاکسازی حتی داخل دیوارها: توسط سیستم الکترومغناطیس

• تجهیز شده توسط ۲۴۲۲ پروژده صنعتی، اداری، تجاری، هتل، رستوران و... (ملاحظه پروژه‌ها در سایت)

• دارای استانداردهای جهانی: ایمنی محصول - الکترونیک - ایمنی و بهداشت - CE اروپا - ISO ۹۰۰۱ - ISO ۱۴۰۰۱

دارنده تندیس نشان منتخب و تندیس حماسه ساز صنعت و اقتصاد ایران

۲۴ ماه گارانتی طلایی و ۱۲۰ ماه خدمات پس از فروش رایگان

شما می‌توانید از کارشناسی رایگان بهره‌مند شوید و اقدام به خرید این محصول برای ایجاد خانه رویایی خود کنید.

کارشناسی و فروش: ۴۴۴۲۱۳۳۵ - ۰۲۱ - (۱۰ خط)

استان البرز: ۰۲۶-۳۶۶۱۹۳۸۱	استان کرمان: ۰۳۴۱-۳۲۴۲۳۳۵
استان فارس: ۰۷۱۱-۶۲۸۵۴۳۱	دشت مغان: ۰۴۵۲-۷۲۲۲۶۷۸
استان قم: ۰۲۵-۳۷۶۰۱۶۷۹	قائم شهر: ۰۱۲۳-۳۲۴۴۲۹۸
استان قزوین: ۰۲۸۱-۳۳۳۱۴۶۵	استان گیلان: ۰۱۳۱-۷۲۸۰۴۰۱
استان مرکزی: ۰۸۶-۳۲۲۴۵۷۷۰	استان گلستان: ۰۱۷۲-۲۲۳۹۰۹۰
استان آذربایجان شرقی: ۰۴۱۱-۵۵۷۵۴۰۶	بهبهان: ۰۶۷۱-۲۲۲۷۵۰۳
رامهرمز: ۰۶۵۲-۲۳۴۰۴۵۶	استان کرمانشاه: ۰۸۳۱-۴۲۶۰۸۸۸
استان خراسان: ۰۵۱۱-۶۰۴۴۸۹۱	استان اصفهان: ۰۳۱۱-۲۶۶۱۱۹۶
استان لرستان: ۰۶۶۲-۲۶۱۶۳۶۴	استان بوشهر: ۰۹۱۷-۵۹۴۹۷۵۸
استان هرمزگان: ۰۷۶۱-۲۲۴۳۱۰۹	استان سیستان و بلوچستان: ۰۵۴۱-۳۲۱۷۰۵۰



www.irandh.ir

عشق بازیگری هنوز در من زنده است

گفت و گو با آناهیتا همتی، بازیگر تلویزیون، سینما و تئاتر در «قاب خاطره»

فهمیه پناه‌آذر

آناهیتا همتی چهل ساله است. بازی در سریال‌های خانه به دوش، ترش و شیرین، یک وجب خاک، روزهای مهتابی، طلسم‌شدگان، توطئه خانوادگی و باغ سرهنگ از فعالیت‌های تلویزیونی این بازیگر است که همچنان بازیگری و تئاتر را دوست دارد. او اوایل دهه ۷۰ در نمایش «تنبور نوازان» به کارگردانی هادی مرزبان به صحنه تئاتر وارد شد و در سینما هم تجربه‌های مختلفی داشته، اما خودش دوست ندارد هیچ وقت از بازی در تئاتر دور شود.

بازی در سریال تلویزیونی، فیلم سینمایی و تئاتر چه تفاوت‌های اساسی‌ای دارد؟

به نظر من بازیگر باید به فکر ارائه بازی خوب باشد. با این دیدگاه، بازی کردن در عرصه تلویزیون، سینما و تئاتر برای یک بازیگر تفاوت خاصی ندارد. البته این شاید از ذهنیت من ناشی شده باشد که معتقدم بازیگر مانند یک موم در دست کارگردان است. درست است که خود نیز ایده‌هایی در بازی و اجرا لحاظ می‌کند، اما کارگردان باید به بازیگر شکل بدهد.

با وجود این می‌توان در بازی بازیگرانی که از تئاتر آمده‌اند، تفاوت‌هایی احساس کرد...

خب البته این دلایل دیگری دارد. اصولاً بازی در تئاتر قدرت بیشتری دارد و اگر فکر می‌کنید کسانی که از تئاتر وارد سینما شده‌اند موفق‌تر هستند، علتش آن است که سختی‌های بیشتری کشیده‌اند. البته من قصد ندارم به بازیگرانی که کارشان را از سینما شروع کرده‌اند، جسارت یا آنها را نقد کنم. واقعیت این است بازیگرانی که پیشینه تئاتری دارند، بهتر تربیت شده‌اند، چون تئاتر قوام بیشتری دارد. به همین دلیل بسیاری از سینماگرانی هم که کارشان را از تلویزیون یا سینما شروع کرده‌اند، به تئاتر رجوع می‌کنند و پس از مدتی تلاش می‌کنند در یک کار تئاتری روی صحنه بروند.

شما هم در کارهای جدی بازی کرده‌اید و هم در فیلم‌ها و سریال‌های طنز. کدام را بیشتر دوست دارید؟

راستش به این دسته‌بندی‌ها زیاد فکر نمی‌کنم. باید بگویم هنوز که هنوز است، عشق بازیگری دارم. در واقع می‌توانم بگویم بعد از این سال‌ها هنوز هیچ‌چیز در بازیگری کم نشده است. وقتی کار جدیدی می‌پذیرم این استرس و هیجان در من دیده می‌شود، هیجانی که با احساس خوشایندی همراه است. برایم مهم است نقشی را که قبول می‌کنم خیلی خوب به مخاطب انتقال دهم، طنز و جدی بودن نقش مهم نیست. خودم را در بازی‌ها محک می‌زنم. در حال حاضر مردم ما طنز را بیشتر دوست دارند و فکر می‌کنم هزینه می‌کنند تا یک اثر خوب و طنز را ببینند و من نیز همیشه خوشایندم رضایت مخاطب چه در تئاتر است و چه در سینما.

پیش از ورود به تلویزیون و بازی در سریال‌های موفق و پر بیننده، به عنوان یک بازیگر تئاتر شناخته می‌شدید. آیا تغییر مسیر شما از تئاتر به سینما و تلویزیون دلیلی جز وضع اقتصادی تئاتر و البته شهرت داشت؟

به خاطر دارم در آن زمان وقتی وارد بازی در تئاتر شدم، همیشه نقش‌های بزرگ و اصلی نمایش‌ها را به آدم‌های بزرگ‌تر واگذار می‌کردند و تئاتر برای ما کلاس درس بود و ما در تئاتر درس می‌آموختیم. تئاتر برای ما یک ورکشاپ و محلی برای کسب تجربه بود و البته هنوز هم برای من تئاتر یک کلاس درس است که از آن می‌آموزم. زمانی که به تلویزیون و سینما ورود پیدا کردم، دوست داشتم بازی در آن مدیوم‌ها را هم تجربه

کنم و همیشه وقتی در یک فیلم سینمایی یا سریال بازی می‌کنم، برای آموختن و کسب تجربه بازگشتی نیز به تئاتر دارم.

آیا شده به خاطر پول، بازی در یک سریال یا فیلم سینمایی را بپذیرید یا به پیشنهادی جواب منفی بدهید؟

باید بگویم به خاطر ندارم به خاطر پول، بازی در یک کار تلویزیونی یا سینمایی را بپذیرفته یا به این دلیل یک پیشنهاد کاری را رد کرده باشم. خدا را شکر در طول زندگی‌ام هیچ‌گاه دغدغه معیشت نداشتم و از روز اول ورودم به تئاتر و سپس سینما و تلویزیون همیشه پدر و مادرم دست مرا گرفته و کمک حال من بوده‌اند. شاید همین پشتیبانی باعث شده تا امروز مسائل مالی برایم تعیین‌کننده نباشد و همه انتخاب‌هایم از تئاتر گرفته تا سریال‌های تلویزیونی از روی علاقه باشد و از روی رغبت کارها را انتخاب کنم. این را هم بگویم برخی کارهایی که در این سه مدیوم انجام داده‌ام از روی رفاقت هم بوده است.

یعنی حتی اگر کاری را قبول نداشته‌اید یا به نظر تان متن یا فیلمنامه‌ای خوب نبوده، به خاطر رفاقت آن را بپذیرفته‌اید؟

بله، البته همیشه این‌گونه نبوده و گاهی رفاقت باعث شده در کاری که شاید حضور در آن زیاد هم برایم جالب نبوده، بازی کنم و پیشنهاد همکاری با آن گروه یا فرد را بپذیرم.

در همین کارهایی که به خاطر احترام به یک رابطه کاری یا به قول شما رفاقت می‌پذیرید، متن تا چه اندازه اهمیت دارد؟

قبل از حضور در یک فیلم یا نمایش، خواندن متن اثر برایم مهم است. حتی اگر هم متنی نباشد یعنی یک کار در اندازه ارائه طرح باشد، در آن زمان، کارگردان برایم اهمیت دارد. به نظرم حضور یک بازیگر در کار علاوه بر متن، به کارگردان نیز بستگی دارد و اگر من به کارگردانی اعتماد داشته باشم، متن را در حد طرح هم بدانم، بازی در کار را قبول می‌کنم. وقتی بازیگری، سال‌های سال در تئاتر یا سینما بازی می‌کند، تجربه زیادی به دست می‌آورد و این تجربه، شناخت از کارگردان را در بر می‌گیرد. اوایل کار یک بازیگر ممکن است به دلیل دیده شدن یا کنجکاوی با هر کارگردانی کار کند، اما بعد از گذشت یک زمان و تجربه در بازیگری، گزینش در کار و حتی انتخاب کارگردان نیز ایجاد می‌شود.

درباره فعالیت اخیر تئاتری تان هم همین دیدگاه را داشتید؟ بازی در نمایش «تعبیر یک رویا» چگونه شکل گرفت؟

وقتی کارها سخت‌تر می‌شود، انگار دارم با خودم یک مبارزه شیرین را آغاز می‌کنم که این امر در بازیگران دیگر هم شاید دیده شود. به نظرم کار در تئاتر نیز این‌گونه است. وقتی نقشی را در یک نمایش می‌پذیرم، با همه انرژی شروع به کار کرده، هر روز تمرین می‌کنم و در تمریناتم خیلی چیزهای دیگر را کشف می‌کنم. نمایش

در طول دوران فعالیت

بازیگری‌ام هیچ‌گاه به خاطر

ندارم بازی در یک کار

تلویزیونی یا سینمایی را

برای پول پذیرفته باشم

تئاتر و سینما نیازمند تروش است که گاهی از طریق کارگردان صورت می‌گیرد.

عشق به صحنه برای خیلی از بازیگران دلیلی بر حضورشان در این عرصه است. شما هم در نشست عنوان کرده بودید فقط بابت علاقه‌ای که به تئاتر دارید در نمایش بازی می‌کنید، یعنی هیچ‌گاه به دستمزد در نمایش فکر نمی‌کنید. آیا این از یک نگره حرفه‌ای ناشی می‌شود؟

همان طور که شما گفتید، نسبت من و تئاتر به واسطه عشق و علاقه من به این هنر است. خیلی خوب است بعد از بازی در صحنه بتوانی دستمزد خوبی بگیری، اما این در تئاتر امکان‌پذیر نیست. البته قطعاً این حرفه‌ای نیست. تئاتر ما به حمایت نیاز دارد و آنقدر مهجور مانده و کسی حامی آن نیست که بازیگران تئاتر براساس علاقه‌ای که دارند در آن حضور می‌یابند. باید در نظر بگیریم که اگر همین میزان علاقه هم نبود، تئاتر فراموش شده بود. همه تئاتری‌ها می‌دانند نباید عرصه نمایش را خالی بگذارند و اگر عرصه خالی باشد دیگر تئاتری نخواهیم داشت. همه تئاتری‌ها با سماجت کار می‌کنند، حتی اگر کمترین دستمزدها را بگیرند.

تعبیر یک رویا توسط تقیانی‌پور نوشته و کارگردانی شده و علاوه بر موضوع نمایش، این موضوع نیز تاثیر زیادی در انتخابم داشت. او افراد کاربلدی را دور خود جمع کرد. در این کار به یک زبان مشترک رسیدیم و از نمایشنامه نیز بسیار خوشم آمد.

برخی گروه‌های نمایشی وجود دارد که بازیگرانش به صورت فی‌البداهه کار بازی انجام می‌دهند. در این زمینه به مدیانی که برای بازیگران فراهم می‌شود، معتقد هستید؟

در تجربه اخیر نمایشی‌ام در طول تمرینات، بازی‌های فی‌البداهه زیادی از سوی بازیگران صورت می‌گیرد و در طول تمرینات به نتیجه واحدی در نوع بازی رسیدیم. می‌خواهم مثالی بزنم. زمانی که با آقای عطاران در سریال «خانه به دوش» همکاری داشتم، ایشان نیز این‌گونه بود. در طول تمرینات و بازخوانی متن به یک بازی مشترک می‌رسیدیم، اما هنگام فیلمبرداری از آنچه در طول تمرینات تصویب کرده بودیم، نباید بازی دیگری انجام می‌گرفت. در کار با تقیانی‌پور نیز این‌گونه بود. این امر در تئاتر سخت‌تر است، چرا که بازی در نمایش به صورت زنده است و هر بازی که در طول تمرین تصویب می‌شد، در صحنه اجرا کردیم.

شما از جمله بازیگرانی هستید که در طول بازی به درک متقابل از کارگردان می‌رسید و به اصطلاح با او کنار می‌آید؟

در دوره بازیگری، کار با کارگردانان زیادی را تجربه می‌کنیم که هر یک اخلاق و ویژگی خاصی در کارگردانی دارند، اما به نظرم در یک کار، همه چیز در دست کارگردان است. سعی می‌کنم با کارگردانان راه بیابم، اما در جاهایی که منطق و استدلالی برای خودم داشته باشم، روش خود را اجرا می‌کنم و البته این کار نیز با تعامل صورت می‌گیرد. در برخورد با هر کارگردانی لزومی برای برخوردن وجود ندارد و به نظرم هر بازیگری - چه باتجربه و چه کم‌تجربه - باید انتقادپذیر باشد و هر بازی چه در



باران روی ستم‌یده می بارد

نگاهی به مجموعه تلویزیونی

«خرده ستمگران»



نامتعارف، یکی دیگر از ویژگی‌های این سریال است. به‌عنوان مثال در همان اپیزود پنجم یوسف و گلاب محکوم به مشارکت در سرقت مسلحانه و قتل می‌شوند، اما چون آنها از عدل الهی انتظار دیگری دارند، به پایانی دیگر که مرگ عاشقانه آنها و دو مزار پوشیده از گل است، سرنوشت خود را تغییر می‌دهند یا در قسمت پایانی و دهم با زندگی تلخ و بسیار دردمبار یک راننده تاکسی به نام یوسف اکرمی روبه‌رو هستیم که همه شخصیت‌های قسمت پیش سوار تاکسی او می‌شوند. این پایانه‌ای نامتعارف و شاید نادر، هم به جذابیت داستان اپیزودها می‌انجامد و هم به نوعی تأکید بر دست تقدیر و سرنوشت با قبول اختیار انسان است.

خرده ستمگران از ترانه‌های آشنا و نوستالژیک همچون ترانه گنجشکک اشی مشی، به توپ دارم قلقلیه و ترانه تیتراژ علی کوچولو در بعضی اپیزودها برای ارجاع دادن مخاطب به فطرت پاک و کودکانه خود بهره می‌برد که تاکنون معدود کارگردان تلویزیونی به آن عنایت داشته است.

شاه‌محمدی با امکانات محدود، سوژه‌های مناسب و تامل و کندوکاو در همه ابعاد آن، کارگردانی دقیق و برنامه‌ریزی شده، یک مجموعه بی‌ادعا اما به واقع پرمایه و خوش ساخت را در این شب‌های محرم مهمان هموطنان ایرانی کرده است که مدام انسان را به فطرت و اعمال خود ارجاع می‌دهد.

بازی وی می‌تواند جذاب باشد. او در نقش یوسف گویی از دنیای باقی به دنیای فانی بازگشته تا خواستار عدالت و عطف و مرحمت هموعاش باشد.

این مجموعه سرشار از ایده‌های ناب و بکری است که در بافت صوتی - تصویری بسیار محکمی تنیده شده؛ گرچه فقط در یکی دو اپیزود، ایده اولیه داستان تکراری به نظر می‌رسد، اما نویسنده در همان یکی دو اپیزود هم تلاش کرده از دریچه تازه‌ای به موضوع بنگرد و با پرداخت جدیدی به میدان آید. ادامه این سبک - تصویری از جانب شاه‌محمدی و دیگر سریال‌سازان می‌تواند یکی از راهکارهای قابل توصیه به سیاست‌گذاران و متولیان رسانه ملی برای ارتقای مجموعه‌سازی باشد. یکی دیگر از ویژگی‌های قابل اهمیت این مجموعه ایجاد است که در همه ابعاد آن به تناسب مراعات شده است. به‌عنوان مثال پرهیز از گفت‌وگوهای زائد و جایگزین کردن مونولوگ یا همان تک‌گویی، حذف کاراکترهای فرعی، عدم طرح سوژه‌ها و داستانک‌های اضافی و تمرکز بر قصه و کاراکترهای اصلی و...

البته این مجموعه عاری از عیب و ایراد نیست. به‌عنوان مثال این‌ها که در کل مجموعه خوش‌عکسی است و برخی پلان‌های آن همچون یک عکس خبری یا تابلوی نقاشی بسیار چشم‌نواز و به یادماندنی از آب درآمده‌اند مثل صحنه اعتراض سرشار از سکوت کارگران با کپسک‌های نایلونی بر سر زیر باران در اپیزود پنجم - که تمهید یا به سهو این گفته کریستوفر بن را به ذهن متبادر می‌کند: باران هم روی ستمگر می‌بارد و هم ستم‌یده، ولی بیشتر روی ستم‌یده می‌بارد؛ زیرا ستمگر چتر ستم‌یده را روده است - یادداشت نوشتن زن مبتلا به سرطان روی شیشه در اپیزود هفتم، تمام پلان‌های تاکسی در اپیزود دهم و... اما گاه قاب‌های کج و معوج و نامتعارف که جایگاهی از نظر تکنیکی و محتوایی با فیلم ندارد و صرفاً فراری برای مدیوم شات‌های پشت سرهم است، چشم مخاطب را خسته می‌کند. همچنین ریتم کند اپیزودها اگرچه در طول یک اپیزود با تصاویر جذاب پوشش داده می‌شود، اما تکرار آن در مجموع اپیزودها و توالی آنها باعث خمودگی بیننده پیگیر این سریال می‌شود.

غافلگیری‌های مکرر در نقاط اوج داستانی و پایانی

یاری فیزیکی او در مسائل مادی ارزنده‌تر است، زیرا اگر فرد و جامعه در استضعاف فرهنگی به سر بگردند، چه‌بسا زمینه‌های ستم‌پذیری بیشتری را در خود فراهم آورند و ستمگران دیگری را بر سرنوشت خویش حاکم کنند، اما اگر رشد فرهنگی بیاورد و از اسارت چهل و نادانی آزاد شوند با اتکالی برخورد و جوشش درونی خویش و حتی بدون یاری دیگران و با اتکا بر توانایی‌های فکری خود زنجیرهای اسارت و ستم را پاره می‌کنند و اجازه هیچ‌گونه استثمار و ظلمی را به دیگران نمی‌دهند.

در بعد حیثیت و آبرو نیز هیچ مومنی نباید مورد ستم واقع شود و همه موظفند در حضور یا غیاب هم‌کیشان خود از آنان دفاع کنند و حرمتشان را پاس دارند، چراکه ضربه زدن به آبروی مؤمن به مراتب از ستم مادی و ظاهری شکننده‌تر است.

سبک نسبتاً جدیدی که مسعود شاه‌محمدی با خرده‌ستمگران به تلویزیون آورده تلفیقی است از تله‌فیلیم، ویدئو کلیپ و نمایش صحنه‌ای که پیش از این کمتر با آن مواجه بوده‌ایم که شاید بخشی از این دستاورد به دلیل انتخاب و چینش بازیگران در اپیزودها بوده است. در این سریال شاه‌محمدی با استفاده از بازیگران بسیار خوب تئاتری یا بازیگرانی که سابقه تئاتری دارند همچون زنده‌یاد احمد آقالو، احمد ساعتچیپان، حمیدرضا آذرنگ، بهناز جعفری، رامین ناصر نصیر و مسعود سخایی در کنار بازیگران سینما و تلویزیون همچون بهار کاتوزی، الیکا عبدالرزاقی، امیر آقایی، مجتبی رستگار و فلامک جنیدی در نقش‌های متفاوت با آنچه از آنها دیده‌ایم یا تصور می‌رود، توانسته است با استفاده از ابعاد صحنه‌ای و دیگر امکانات و قابلیت‌های تئاتر، مخاطب را به کاتارسیس برساند. به‌عنوان مثال انتخاب فلامک جنیدی در نقش گلاب، همسر وفادار اما افسرده یوسف در اپیزود پنجم این مجموعه، می‌تواند گواه بر ادعای ذکر شده باشد. بازی متفاوت فلامک جنیدی در کنار بازی حسنی زنده‌یاد احمد آقالو، فضایی بس آشنا اما غریب برای مخاطب ایجاد می‌کند. بی‌اغراق یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌های این مجموعه، حضور زنده‌یاد احمد آقالو در اپیزود یاد شده از این مجموعه است که برای بسیاری از علاقه‌مندان به

«تاریخ تمام جوامع، تاریخ مبارزات طبقاتی بوده است که آزاده و برده، پاترسین و پلین، ارباب و سرو، استاد کارگاه و پیشه‌ور و روزمزد، در یک کلام، ستمگر و ستم‌یده با یکدیگر ستیزی همیشگی داشته و به پیکاری بی‌وقفه، گاه نهان و گاه آشکار دست یازیده‌اند، پیکاری که هر بار به نوسازی انقلابی کل جامعه یا نابودی هم‌زمان طبقات در حال پیکار منجر شده است.» (کارل هنریش مارکس)

مجموعه تلویزیونی «خرده ستمگران» سریال ویژه محرم شبکه سه سیما که در ایام محرم هر شب بجز پنجشنبه و جمعه، ساعت ۲۰ روی آنتن می‌رود و بازپخش آن روز بعد ساعت ۱۴ و ۴۰ دقیقه خواهد بود و در سه قسمت ۶۰ دقیقه‌ای به کارگردانی مسعود شاه‌محمدی و تهیه‌کنندگی سعید شاهسوراری تولید شده است، داستان خرده‌ستم‌هایی است که انسان‌ها در روابط اجتماعی در حق یکدیگر مرتکب می‌شوند و قصه مبارزه آدم‌ها با ستمگران کوچک است. اشخاصی که در نقش همسایه، دوست، صاحبکار، صاحبخانه و... به اطرافیان ستم می‌کنند. در این مجموعه سعی شده به موضوعاتی پزاهر بی‌اهمیت که ما به آنها توجه نمی‌کنیم، پرداخته شود.

این مجموعه اپیزودیک که محصول ۱۳۸۷ است و پخش آن به دلایلی نامعلوم تا به حال به تعویق افتاده، در هر قسمت داستان مجزایی روایت می‌کند. قصه هر اپیزود مجموعه تلویزیونی خرده ستمگران بر پایه یک موفقیت و تم روان‌شناختی طراحی شده و شکل گرفته است؛ روان‌پزشکی مشترک در اپیزود نخست، تبعات منفی و فاجعه‌بار خودشیفتگی در قسمت دوم، اختلال نافرمانی مقابله‌ای و لجبازی کودکان در داستان سوم بخوبی دراماتیزه شده است. در قسمت سوم نویسنده عامدانه کوشیده تصویر جدیدی از کلیشه نامادری پیش چشم گذارد.

اختلال استرس پس از سانحه، اختلال شخصیت وابسته و نقش تأثیرگذار ناخودآگاه در زندگی انسان در اپیزود چهارم، عواقب روانشناختی فقر در زندگی و تابلوی بالینی افسردگی در داستان پنجم و دهم، نابسامانی‌های روانی کودکان کار، عقده ادیب و کودک‌آزاری در قسمت ششم خرده ستمگران به عنوان بن‌مایه دراماتیک انتخاب شده است.

تمام اپیزودهای مجموعه تلویزیونی خرده‌ستمگران سرشار از مفاهیم عمیق روان‌شناختی است و می‌توان تک‌تک قسمت‌های این سریال را به‌عنوان یک فیلم آموزشی به منظور تدریس در دانشکده‌های روان‌شناسی به نمایش درآورد، آن هم در عصر حاضر که به نظر می‌رسد آموزش از طریق محصولات رسانه‌ای به یک ضرورت تبدیل شده است. سریال خرده ستمگران، هم دانش عمومی و هم سواد رسانه‌ای و بصری مردم را ارتقا می‌بخشد و مصداق روشنی برای نقش آموزشی صدا و سیما و رسالت این سازمان به‌عنوان یک دانشگاه است.

در همه ادیان بخصوص اسلام درباره ستم، سخن‌های فراوان و مکرر گفته شده است. هنگام ستم، عدل خداوند را درباره خودت به یادآور و هنگام قدرت از قدرت خداوند متعال بر خود یادآور و معلوم است روز چیرگی ستم‌یده بر ستمگر سخت‌تر از روز چیرگی ستمگر بر اوست که در آن روز - قیامت - پاداش و انتقام بزرگ مطرح است. نهایت ستم ستمگر در دنیا این است که مظلوم را می‌کشد و یک‌بار او را می‌میراند و دیگر یارای رنج رساندن به او ندارد، ولی روز قیامت روزی است که ستمگر نمی‌میرد که راحت شود بلکه عذاب او جاودانه است و همواره تجدید می‌شود. همچنین پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: هر کسی داد ستم‌یده‌ای را از ستمگر بگیرد، در بهشت یار و همنشین من است.»

اعانت مظلوم در بعد فرهنگی و فکری به مراتب از

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه
کانون بازنشستگان
صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
(نوبت اول)

بدینوسیله از کلیه اعضای کانون بازنشستگان سازمان دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی کانون (نوبت اول) که در ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۱۰ در محل: دفتر کانون بازنشستگان واقع در تهران، خیابان ولی عصر، خیابان جام جم، ساختمان مرکزی، ساختمان شهید رهبر، طبقه همکف تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.
دستور جلسه:

- ۱- استماع گزارش عملکرد هیأت مدیره در دوره فعالیت سال ۱۳۹۱ و شش‌ماهه اول سال ۱۳۹۲
- ۲- گزارش خزانه دار کانون در مورد ترازنامه مالی منتهی به تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۹
- ۳- گزارش بازرسی قانونی کانون برای دوره عملکرد سال ۱۳۹۱
- ۴- انتخاب بازرسی قانونی

توضیح: خواهشمند است کارت عضویت کانون را همراه داشته باشید.
رئیس هیأت مدیره - رضا پدبدار

فروش استانی
آپارتمان‌های مسکونی و تجاری
 در تمام نقاط ریاط کریم
 توسط مالک و بدون واسطه با مناسب‌ترین قیمت
 آژانس‌سازی امین یا مدیریت باقری
۰۹۱۲۴۵۰۰۹۸۲

گوهردشت کرج - خیابان دوم
 ۲۷۰ متر ملک مسکونی ویلائی کلنگی بر ۹
 بدون واسطه، فروشنده واقعی
 یک میلیارد و دویست و پانزده میلیون تومان
۰۹۳۹۸۲۸۹۹۶۶

املاک سلطانی
 تماس از شما، ارائه خدمات املاک ما
 بهترین خریدار، فروشنده زمین‌های هوا فضا، ویلا آپارتمان
 فروش قطعه ۲۲۵ واحدی ۸۵،۷۰،۶۵
 با بهترین شرایط خرید و فروش
۷۳۷۳۳۳۳۳ - ۰۲۱۷۳۳۳۳۳۳



یک مجری تلویزیونی می‌تواند بازتاب‌دهنده بخشی از خواسته‌ها و مشکلات جامعه و مردمی باشد که با آنها در ارتباط است. گاهی تلاش‌هایی که در جهت برنامه‌سازی موفق و ایجاد ارتباط با مردم می‌شود، به ثمر نمی‌رسد که در این میان نقش مجری در برنامه‌های مخاطب محور کلیدی است. لحن و بیان صمیمانه و گیرا و ایجاد احساس نزدیکی با مخاطب می‌تواند یکی از مؤلفه‌های مهم در تأثیرپذیری مخاطب باشد. صحبت با محمد سلوکی مجری، دکتر سیدوحید عقیلی استاد ارتباطات و منصور ضابطیان تهیه‌کننده و مجری برنامه تلویزیونی رادیو هفت می‌تواند ما را با ویژگی‌های کلیدی یک مجری موفق تلویزیونی آشنا کند.

اجرای مناسب؛ از رؤیا تا واقعیت

۳ مجری و کارشناس درباره راه‌های دستیابی به اجرای خوب در برنامه‌های تلویزیونی نظر داده‌اند

دلایل موفق نشدن مجریان



دکتر سیدوحید عقیلی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم و تحقیقات و متخصص ارتباطات می‌گوید: مجری خوب تلویزیون علاوه بر داشتن توانایی‌های ذاتی مثل چهره مطلوب، توانایی‌های کلامی و صوت قابل قبول، باید آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هم ببیند. این آموزش‌ها شامل نحوه خواندن، آگاهی پیدا کردن به حرکات صورت و معانی آن، طریقه پلک زدن و حتی نشستن است. این شغل خمیرمایه‌ای از مواهب طبیعی و آموزش‌های اکتسابی است. دلایل مختلفی برای موفق نشدن یک مجری وجود دارد. در زندگی عادی خودمان هم معمولاً با افرادی بهتر از دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم و خلوص، صداقت و پاکی و مهربانی از ویژگی‌هایی است که این افراد دارند و حتی امکان دیدن این ویژگی‌ها در چهره افراد نیز وجود دارد. این امر در مورد مجریان تلویزیون هم صدق می‌کند. چیزی باید در مجریان تلویزیون وجود داشته باشد که مقبولیت آنان را نزد مردم بالا می‌برد. پس از این عامل لحن کلمات اهمیت خاصی دارد. در برنامه زنده انتخاب کلمات و بار معنایی آن مهم است و این پرسش مطرح می‌شود که چقدر این کلمات حامل محبت و رابطه صادقانه با مخاطب است؟

وی ادامه می‌دهد: گاهی مجریان این ارتباط

صمیمانه را ندارند و نوعی سلطه‌گری و خود را برتر از مخاطب دیدن در آنها وجود دارد. یک مجری باید اعتماد به نفس داشته باشد، اما گاهی نباید این اعتماد به نفس آن قدر کاذب و زیاد باشد که مخاطب این تکبر را در مجری احساس کند و این دلیلی برای دوری مخاطب از مجری شود.

ما در تلویزیون دیدیم افرادی مجری می‌شوند که صدای تلویزیونی ندارند و صدا زنگ مناسبی ندارد و به نظر می‌آید این افراد چندان مناسب تلویزیون نیستند. برخی اوقات مجری با وجود آموزش‌های خوبی که دیده است، ممکن است ارتباط‌گر خوبی نباشد، اما اصرار بر این وجود داشته باشد که به دلایلی کار اجرا را ادامه دهد.

تخصص حرف اول را می‌زند

عقیلی در ادامه می‌گوید: دسته‌ای از مجریان خبری به صورت عادت و روزمره بر خواندن خبر تسلط دارند. زبان خواندن خبر کتابی است و گاهی میانه برنامه اگر مجری بخواهد ارتباطی با خبرنگار داخل یا خارج از کشور برقرار کند، به طرز عجیبی این لفظ کتابی تغییر می‌کند و نمی‌داند که باید با لحن کتابی ادامه دهد یا دوستانه باشد. معمولاً مجریانی که خبرخوان هستند در ارتباط مستقیم چندان موفق نیستند چون غیر از هماهنگی در تن صدا به داشتن تخصص درباره مساله مربوط احتیاج دارد. اگر مجریان در زمینه‌ای که صحبت می‌کنند، متخصص باشند، کمتر سوالات کلیشه‌ای می‌پرسند. اخبار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیاز به تخصص ویژه‌ای برای اجرا دارد، اما به‌طور کلی یک مجری موفق باید از هر کدام از این حوزه‌ها اطلاعاتی داشته باشد.

وی می‌گوید: اگر خبرنگار تلویزیونی را مجری تصور کنیم، همیشه برایم عجیب است که چرا هنگام مصاحبه با یک وزیر، اول اسم خبرنگار نوشته می‌شود و پس از آن اسم وزیر در پرانتز نوشته می‌شود و می‌آید. این کار مدیران و مجریان که نسبت به این مسأله آگاهی ندارند، برایم غیرمنتظره است.

لزوم شناخت نسبت به مختصات محیط



محمد سلوکی مجری با سابقه تلویزیون می‌گوید: در درجه اول باید بدانیم که درباره موضوعی تحت عنوان رسانه صحبت می‌کنیم که تعریف‌های مشخص و چارچوب‌های خاصی دارد. اگر بخواهیم در این فضا برنامه‌ای تعریف کنیم که با اصول منطقی رسانه ارتباط داشته باشد، کارمان دشوار خواهد شد. به عبارتی یا باید تعاریف قبلی را بی‌بیریم یا تعریف جدیدی ارائه دهیم که نسبت به روش‌های قبل بدیع‌تر باشد.

وی ادامه می‌دهد: در حوزه رسانه با گذشت زمان، هر روزنامه یا مجله‌ای مطابق با محدوده زمانی خودش شکل گرفته است. در رسانه‌ای همچون تلویزیون ضریب نفوذ، تعریف و جامعه‌شناسی فضایی که در آن کار می‌کند، اهمیت ویژه‌ای دارد. با شناخت این فضا شرایط برای تعریف اجزای آن فراهم می‌شود. ما درباره تلویزیونی صحبت می‌کنیم که در جامعه اسلامی حیات پیدا کرده و دایره مخاطبان مخصوص به خود را در سال ۹۲ دارد. تمام این مختصات ویژگی‌هایی برای این رسانه ایجاد می‌کند. پس از آن باید به این برسیم که چنین مجری با مختصات فرهنگی و ضریب نفوذی که تلویزیون می‌تواند داشته باشد، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد.

سلوکی در ادامه می‌افزاید: ما درباره انتقال پیام

صحبت می‌کنیم که برای خودش تعاریف و مشخصاتی تعیین شده دارد. برای برقراری یک ارتباط مؤثر و صحیح باید تمام اجزا، امکانات و ویژگی‌های آن فراهم باشد. در این میان باید فرستنده پیام، فرآیند انتقال، گیرنده پیام و بازخورد آن مشخص باشد. اگر همه این مؤلفه‌ها به صورت صحیح کنار هم قرار بگیرند، به جریان برقراری ارتباط مؤثر نزدیک‌تر می‌شویم.

ویژگی‌های یک مجری خوب تلویزیونی

سلوکی همچنین درباره شاخصه‌های اجرا می‌گوید: ویژگی فرستنده پیام به‌عنوان یک مجری برآمده از کلیت همان جامعه‌ای است که در آن زندگی کرده، بزرگ شده، برای آنها پیام می‌فرستد، بازخورد دریافت می‌کند و با آنها در تعامل است. یک مجری تلویزیونی باید با ادبیات کل یک جامعه تا اندازه‌ای آشنا باشد. روابط اجتماعی مردم را بداند و با سختی‌های زندگی، آینده و خط‌مشی مردم کشورش آشنا باشد. یک مجری باید متناسب با این کلیات وارد جزئیاتی دیگر بشود. اگر من به عنوان مجری با مختصات جامعه آشنا باشم، به این فکر می‌کنم که برای برقراری ارتباط مؤثر با مخاطبان چه کاری باید انجام دهم؟ در این فرآیند چگونگی استفاده از دایره واژگان، لباس پوشیدن، نحوه ارتباط با مخاطبان و ارتباطات غیرکلامی باید مورد توجه قرار گیرد.

باید با یک شناخت کلی به دنبال اجرای برنامه‌های تخصصی در حوزه سینما و... باشیم. امروزه اجراها در تلویزیون در تمام دنیا به صورت تخصصی درآمده است و دیگر کمتر برنامه‌های بدون وجود مجری متخصص حیات پیدا می‌کند. امکان این وجود ندارد که یک مجری براحته کنار گذاشته شود، مگر این که نتواند مسیر ارتباط مؤثر با مخاطب را به درستی طی کند. اگر مجری ویژگی‌های حداقلی داشته باشد و ما هم بتوانیم نور، دکور، کارگردان و نویسنده خوبی در اختیارش قرار دهیم تا ارتباط مثبتی برقرار شود، بازی را برده‌ایم.

برخورد سلیقه‌ای مانع حرکت مجریان

سلوکی می‌گوید: گاهی برخورد سلیقه‌ای به سیستم

بر نمی‌گردد، بلکه به شخص خاصی معطوف می‌شود. احتمال کمی وجود دارد که برخوردهای سلیقه‌ای باعث حذف حرکت یک مجری شود. رفتارهایی که برآمده از مشکلات اخلاقی باشد، معمولاً ماندگار نیستند. اکنون چند طرح خوب با مشورت اهالی رسانه و استادان دانشگاه برای تهیه یک برنامه دارم، اما چون حداقل برای من این امکان فراهم نمی‌شود، این طرح‌ها روی میز می‌ماند تا در فرصت بهتری به آن بپردازم. به دلیل این که وابستگی مالی نسبت به تلویزیون و رسانه وجود دارد، تلویزیون هم نسبت به افرادی که قرار است تهیه یک برنامه تلویزیونی را به عهده بگیرند، حساس می‌شود. اگر به این تعریف برسیم که با برنامه‌سازی در تلویزیون پولساز باشیم و فرصت آن را به صاحب ایده بدهیم، می‌توانیم بدون استفاده از بودجه تلویزیون برنامه خوب بسازیم و درآمدزا باشیم. اگر موفقیت یک برنامه با طرحی به ثمر می‌رسد، بنابراین باید ادامه پیدا کند.

راه ارتقای برنامه‌های مخاطب‌محور

محمد سلوکی در بخش دیگری از صحبت‌های خود می‌گوید: معتقدم اگر مجری یک برنامه ترکیبی و مخاطب‌محور در جریان جهان بینی حاکم بر برنامه قرار نگیرد، نمی‌تواند موضوع را منتقل کند و تبدیل به بازیگری می‌شود که پلاتوهایی به او داده می‌شود و او فقط باید آن را ادا کند. به همین دلیل در سیکل انتقال پیام یک حلقه مفقوده به وجود می‌آید.

اصولاً مجری محور بودن برنامه‌های مهم تلویزیون باید از نقطه صفر تا صد باشد و مسئولیت برنامه به عهده همان مجری باشد که می‌خواهد در لحظه آخر صحبت کند. اگر در قسمتی از برنامه اتفاقی افتاد باید یک مجری پیش‌بینی کند که روی آنتن زنده تلویزیون چه باید بگوید. مجری نباید در برنامه تلویزیونی باشد که هر لحظه خودش از اتفاقی که قرار است بیفتد، بی‌خبر باشد و تنها به او اطلاعاتی درباره مهمانان برنامه بدهند و جریان خاتمه پیدا کند. تهیه‌کننده برنامه ممکن است درباره موضوعی بی‌ربط با برنامه گزارشی تهیه کند و مهمانان ندانند چه چیز پخش می‌شود و این روش غلطی است. الان تلویزیون در دنیا به‌عنوان صنعت شناخته می‌شود و کمیته‌های بزرگی هستند که از طریق تلویزیون ایجاد شغل می‌کنند و تاثیر فرهنگی متناسب با شناخت خود را روی جامعه می‌گذارند. این روزها با توجه به پیچیده شدن دنیای رسانه، ما نیز مجبوریم که وارد فضاهای جدیدی شویم که گاهی ممکن است با اعتقادات دینی در تضاد باشد؛ در این صورت از اهالی فن باید بخواهیم برایمان راهکار پیدا کنند. اهالی فن باید کمک کنند تا فضای اقتصادی در تلویزیون احیاء شود و صنعت تلویزیون به جای وابستگی، تبدیل به جریان اقتصادی شود که می‌تواند موجب رونق کسب و کار شود.

این مجری ادامه می‌دهد: حرف من همیشه این بوده است که اگر مجری و تهیه‌کننده یکی باشند، مجری می‌داند که چه می‌خواهد بگوید و چه نمی‌خواهد بگوید.

کلاس‌ها مجری تربیت نمی‌کنند

سلوکی همچنین ادامه می‌دهد: تعجب می‌کنم که برخی دوستان معتقدند که باید کلاس اجرا برگزار کنند. اصلاً امکان این وجود ندارد که اجرا در این کلاس‌ها آموزش داده شود، بلکه این یک فرآیند طولانی‌مدت تربیتی است که با گذشت زمان دسته‌ای از مباحث نظری و تربیتی را یاد بگیریم. ما در مواقع لازم می‌توانیم از این دانش‌ها بهره بگیریم و خلاقیت‌مان نیز می‌تواند در این میان به اجرای بهترمان کمک کند. مجری شدن سرفصل خاصی ندارد که بگوییم با خواندن آنها مجری خواهیم شد.

برگزاری کلاس‌های اجرا فقط برای پول گرفتن بیشتر از مردم است و من از این موضوع خیلی ناراحتم. پیشنهادهای بسیاری برای برگزاری کلاس اجرا داشته‌ام، اما هیچ‌وقت قبول نکردم چون فکر می‌کنم چیزی برای یاد دادن به مردم ندارم. وعده دادن برای مجری تلویزیونی شدن توخالی است. از طرفی هم تبدیل شدن به مجری که قبلاً ما به‌ازای

آن را در تلویزیون دیدیم، چندان خوشایند نیست و هر مجری باید سبک خودش را داشته باشد.

پیشنهاد من در نهایت این می‌تواند باشد که کارگاه‌هایی برای برقراری ارتباط موثر برگزار کنیم و تکنیک‌های اجرا را به مردم آموزش دهیم. تکنیک‌های ارتباط موثر به زندگی شخصی مردم کمک می‌کند. اکنون مردم کمتر می‌توانند در خصوص مشکلاتی که برایشان اتفاق می‌افتد، صحبت کنند. اگر بتوانیم از ویژگی صحبت کردن مجریان تلویزیون استفاده کنیم، قطعاً پیشرفت می‌کنیم. در همه جای دنیا به مردم آموزش داده می‌شود که باید با یکدیگر صحبت کنند و قرار نیست قهر کنیم.

تکنیک‌هایی که مجریان به کار می‌برند در برقراری ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر می‌تواند موثر باشد؛ به دلیل این که ما درباره یک انسان با ویژگی‌های مختلف صحبت می‌کنیم، نمی‌توانیم شرط خاصی برایش قرار دهیم. امکان قانون گذاشتن در چارچوب تلویزیون جمهوری اسلامی وجود دارد، اما نمی‌شود به افراد در خصوص چگونگی فعالیتشان خط‌مشی داد. به عبارتی باید قانون بدون برخورد سلیقه‌ای رعایت شود.

مهم‌ترین چالش یک مجری



منصور ضابطیان، تهیه‌کننده و مجری برنامه تلویزیونی رادیو هفت نیز معتقد است: درباره یک مجری دسته‌ای از مسائل بدیهی وجود دارد که مجری باید به آن آگاه باشد. شناخت مجری نسبت به کاری که انجام می‌دهد، برنامه‌ای که اجرا می‌کند، مهارت وی با توجه به ذهنیاتش و نوع برقراری ارتباط با مخاطب، دایره واژگان و ادبیات متناسب با برنامه اهمیت ویژه‌ای دارد. از همه مهم‌تر مجری باید جذابیتی داشته باشد که بیننده را با خودش همراه و درگیر کند. بخشی از ارتباط مجری با مخاطب هم به شرایط اجتماعی، محدودیت‌ها و چارچوب‌هایی است که برای هر رسانه‌ای تعریف می‌شود و وی هم باید متناسب با این فضا حرکت و فعالیت کند.

او در ادامه می‌گوید: مهم‌ترین چالش مجری در یک برنامه تلویزیونی می‌تواند این باشد که آیا می‌تواند با کسی که آن طرف تلویزیون نشسته، ارتباط برقرار کند یا نه؟ چالش هر برنامه‌ساز در تلویزیون ممکن است برخورد سلیقه‌ای باشد و روی کارش تاثیر بگذارد و آن را تحت‌الشعاع قرار دهد. گرچه باید به یک مدیر این حق را بدهیم برنامه‌ای که ساخته می‌شود با نقطه نظرش نزدیک باشد، اما به هر حال با اعمال نظر نه‌تنها در حوزه اجرا بلکه درباره برنامه‌های مختلف تفاوت دارد.

تهیه و اجرا منافاتی ندارند

ضابطیان درباره همزمانی مجری بودن و تولید نیز می‌گوید: مجری بودن با تهیه‌کنندگی منافاتی ندارد، بلکه گاهی طرح افراد مختلف در مقاطع زمانی معینی با ملاحظات گروه یا شبکه‌ای که می‌شناسند، همخوانی نداشته باشد یا در اولویت ساخت آنها نباشد. این نکته‌ای نمی‌تواند باشد که یک طرح خوب برای تهیه‌کنندگی یک برنامه تلویزیونی اجرا نشود یا رد شود.

یک طرح خوب اجرایی باید منعطف باشد و در مواقع مختلف با شکل‌های مختلف جواب بدهد و بتواند بهترین ارتباط را با مخاطب برقرار کند. تمام این مسائل کلیاتی است که ممکن است بسته به موقعیت، زمان‌ها و مکان‌های مختلف تغییر کند.

اجرای تلویزیونی؛ مقوله‌ای به پیچیدگی رسانه

محمد جلیوند



بحث اجرا در برنامه‌های تلویزیونی جزو نکات مهم و کلیدی برنامه‌سازی است که می‌تواند یک برنامه خاص را به اوج برساند یا با سر به زمین بزند و ریزش مخاطبش را به حد اعلا برساند.

در دهه ۱۳۶۰ که برنامه‌های محدودی برای پخش از دو شبکه سراسری تلویزیونی تولید می‌شد، مجریان به درجه بالایی از شهرت نزد مخاطبان خویش رسیدند و گام‌های بلندی در این راه برداشتند. برای مثال می‌توان به دپولر بزرگ و مطرح ایران (جلال مقامی) اشاره کرد که مدتی طولانی اجرای جنگ سرگرم‌کننده دیدنی‌ها را به عهده داشت و یکشنبه شب‌ها طیف متنوعی از مخاطبان را پای تلویزیون‌ها می‌نشاند. صدای گرم مقامی، فاکتور مثبت اجرای او در این برنامه بود که صمیمیت خاصی را هم به مخاطبانش منتقل می‌کرد و به حدی بود که تا مدت‌ها نزد مخاطبان عام به آقای دیدنی‌ها مشهور بود!

مسابقه هفته را می‌توان یکی از پربیننده‌ترین



مسابقه‌های تلویزیونی به حساب آورد که بخش مهمی از جذابیت خود را مدیون اجرای فوق‌العاده منوچهر نودری است. وی که یکی از بهترین گویندگان و مدیر دوبلاژهای آن سال‌ها به حساب می‌آمد، در اجرای مسابقه هفته نوعی بذله‌گویی و حاضر جوابی را در دستور کار خویش قرار داد تا به نوعی از خشکی و عصا قورت‌دادگی مسابقه بکاهد؛ ترفندی که موثر بود و مورد توجه بسیاری از مخاطبان قرار گرفت.

در دهه ۷۰ و با متنوع‌تر شدن برنامه‌های تلویزیونی، جنگ‌های سرگرم‌کننده‌ای ساخته شدند که برخی از آنها مانند: «مسابقه بزرگ» با اجرای احمدزاده و حسینی توجه مخاطبان بسیاری را به خود جلب کرد و فرمول اجرای دو نفره با دو کاراکتر متفاوت را به کلیشه مسابقه‌های اینچینی سیما در سال‌های بعد تبدیل کرد. البته مسابقه بزرگ نخستین مسابقه پرهزینه تلویزیونی در آن ایام بود که جایزه بزرگ و وسوسه‌کننده‌اش نیز نقشی کلیدی در هرچه جذاب‌تر شدنش داشت. حضور بازیگران تلویزیونی به‌عنوان مجری نیز از دیگر روش‌های جذب مخاطب است که در بیش از یک دهه اخیر بارها مورد استفاده برنامه‌سازان قرار گرفته و به نتایج مختلفی منجر شده است. برای مثال می‌توان از حسن جوهرچی و فرهاد جم نام برد که در اجرای خود آنچنان که باید موفق نبودند و تنها جم با توجه به جذابیت‌های فرم مسابقه «سب» و نیز محبوبیت مجموعه «همسران» نزد مخاطبان، موفق‌تر از بقیه عمل کرد. ایرج نودری هم مسابقه‌ای را که اسپانسرش یکی از کارخانجات فرش ماشینی بود، اجرا و کار متوسطی ارائه کرد.

در دهه ۸۰ شبکه‌های تلویزیونی سراغ تولید تاک‌شوهای براساس فرمول جهانی آن رفتند و در این زمینه هم به رقابت با یکدیگر پرداختند. «کوله پشتی»

با اجرای فرزاد حسنی، «شب شیشه‌ای» و «مثلث شیشه‌ای» با اجرای رضا رشیدپور و «ماه عسل» با اجرای احسان علیخانی از مهم‌ترین و پربیننده‌ترین برنامه‌ها از جنس برنامه‌های یاد شده بود که حواشی بسیاری در پی داشت. حسنی در اجرای خود نوعی صراحت و به رخ کشیدن به همراه داشت که گاه با واکنش‌های تند طرف مقابل نیز روبه‌رو می‌شد و در پاره‌ای موارد، بخشی از مخاطبان سن و سال دارتر خود را از دست می‌داد.

رضا رشیدپور تا حدودی این صراحت و حاضر جوابی را که لازمه جنگ‌های گفت‌وگومحور تلویزیونی است داشت، اما در مواجهه با مهمان خود برخلاف فرزاد حسنی محتاط‌تر برخورد می‌کرد. حضور چهره‌های مطرح عرصه ورزش، سینما و تلویزیون در این دو برنامه آمار مخاطبان را بالا برد و جذابیت فوق‌العاده‌ای به آن بخشید. برای نمونه می‌توان به حضور فیروز کریمی، بهرام رادان و محمدرضا گلزار اشاره کرد که هر یک علاقه‌مندان پروپاقرصی برای خود در آن ایام داشتند. با این همه سه برنامه یاد شده سرانجام با توجه به خطوط قرمز تلویزیونی به مشکل خوردند که در نهایت به تعطیلی‌شان انجامید.

برنامه تلویزیونی «نود» با اجرای عادل فردوسی‌پور مهم‌ترین و شاخص‌ترین برنامه مجری محور تلویزیون در همه سال‌های اخیر است که همچنان خود را روی آنتن نگه داشته و در برخورد با انتقادات ریز و درشت مدیران و برخی مربیان باشگاه‌های فوتبال موفق عمل کرده است. فردوسی‌پور با اشراف کامل بر فوتبال ایران و حواشی‌اش به بهترین شکل برنامه خود را اداره و همچون یک بازیگر روی صحنه تئاتر عمل کرده و طنز درخشانی در اجرایش لحاظ می‌کند.

«هفت» تنها برنامه زنده تلویزیونی با محوریت سینما و حواشی‌اش است که بخوبی جای خود را میان علاقه‌مندان سینما باز کرده است. دوره نخست این برنامه با اجرای فریدون جیرانی مورد استقبال عموم قرار گرفت و گاه به سمت جنجال‌هایی از جنس برنامه نود رفت که نمونه‌اش را در نقد فیلم «جرم» هنگام جشنواره توسط مسعود فراسی شاهد بوده‌ایم. فراسی با آن شیوه خاص نقد که مختص خود اوست، موافقان و مخالفان بسیار داشت که در نهایت به جذب مخاطب بیشتر کمک شایانی کرد.

دوره جدید برنامه هفت با اجرای محمود گبرلو، تفاوت‌های بسیار با دوره قبلی دارد و کمتر به سمت جنجال‌های ژورنالیستی رفته است. البته این امر منافاتی با رفتن به سمت سوژه‌های ملتهب حوزه سینما نداشته که نمونه آن را در دو سه هفته اخیر بخوبی شاهد بوده‌ایم. در حقیقت این نظریه که برنامه‌های زنده تلویزیونی تا حدود زیادی شبیه کاراکتر اجراکننده‌شان می‌شوند، در برنامه‌های هفت (سری قدیم و جدید) و نود به اثبات رسیده و می‌تواند در تولید برنامه‌های اینچینی بعدی در آینده‌ای نه‌چندان دور یک راهنما برای تهیه‌کنندگان باشد.

گسترش جغرافیای فرهنگی

شاخصه‌هایی که در سومین دوره جشنواره جام جم جلب نظر می‌کند

مهدی فرجی

مدیر شبکه یک و دبیر سومین جشنواره جام جم



بین‌المللی شدن جشنواره جام‌جم، گسترش جغرافیای فرهنگی کشورمان را به دنبال خواهد داشت. با توجه به این که نخستین سال است که این جشنواره بین‌المللی شدن را تجربه می‌کند، تعداد کشورهای شرکت کننده محدود خواهد بود، اما امیدواریم سال‌های آینده گستردگی بیشتری پیدا کند.

به یقین با بین‌المللی شدن جشنواره، افق‌های جدیدی به روی جشنواره جام‌جم سیمای باز خواهد شد و آثار دیگر کشورهای دنیا در رقابت با آثار داخلی ارزیابی می‌شوند و سنجیده می‌شوند. مهمانان ما از دیگر کشورها با تولیدات سیما آشنا می‌شوند. باید به این نکته توجه کرد که تولیدات رسانه ملی بخوبی می‌تواند با تولیدات کشورهای دیگر بویژه منطقه برابری کند و حتی به یقین رتبه بالاتری از کشورهای اطراف در این زمینه داریم. ما کشور بالاتری به لحاظ

که حمایت‌ها آن طور که مورد نظر آنها بوده صورت نگرفته است، گلایه داشته‌اند. باید بگویم جشنواره اسپانسر دارد و هزینه‌ای بر سازمان تحمیل نخواهد شد. از سوی دیگر، برنامه‌ها کارکرد خاص خود را در هر دوره دارند و برای ادامه باید در شکل و شمایل جدیدتری ارائه شود. به عنوان نمونه، هنوز از مسابقه‌ای که آقای ابوطالب تولید آن را به عهده داشتند حمایتی نشده است، اما این فیلمساز مجرب مشغول تولید آثار دیگری مانند رادیو ایرانی و اثری در لبنان است که این خود معنای حمایت را می‌دهد.

از این دیدگاه، جشنواره جام‌جم، علاوه بر کارکرد بین‌المللی‌اش که به آن اشاره شد، میدان رقابتی برای همه آثار داخلی است. نمی‌توان جشنواره فیلم‌های «الف ویژه» یا جشنواره فیلم‌های «ب» و... را به طور جداگانه داشته باشیم. اگر دقت کنید خواهید دید جشنواره فیلم فجر نیز به همین شکل است و آثاری مانند «ملک سلیمان»، «راه آبی ابریشم» و... که پروسه تولیدی ویژه‌ای در سینمای ایران داشتند در کنار فیلم‌های دیگر ایرانی ارزیابی و قضاوت می‌شوند. این ویژگی‌های عمومی جشنواره‌های سینمایی و تلویزیونی در همه جای دنیا پذیرفته شده است و جشنواره جام‌جم نیز از این قاعده، جدا نیست.



جشنواره جام‌جم؛ حرفه‌ای تر از پیش

تاجبخش فنایان

عضو شورای سیاستگذاری جشنواره جام جم



امسال راهکارهایی تعیین شده تا سومین جشنواره جام‌جم در شکلی حرفه‌ای‌تر از پیش برگزار شود. قرار است امسال بخش بین‌الملل به عملکرد پیشین جشنواره اضافه شود؛ اتفاقی که کمک می‌کند دیگر رسانه‌ها از جغرافیای فرهنگی کشورهای اسلامی به این جشنواره بیبوندند و براساس موضوعات تعیین شده آثارشان را به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند تا در چرخه رقابت قرار گیرند. این مساله بی‌شک به گسترش جغرافیای فرهنگی کشور ما کمک می‌کند.

در بخش قضاوت و داوری امسال از روال موفقیت‌آمیز گذشته استفاده کردیم. گرچه تخصص من در چارچوب ساختاری نمایشی است، اما به عنوان شخصی که می‌تواند از بیرون به برنامه‌های غیرنمایشی نگاه کند باید بگویم این برنامه‌ها نیز مانند برنامه‌های نمایشی نیازمند ارتقای کیفی و کمی هستند تا جنبه حرفه‌ای‌تری به خود بگیرند. این جشنواره می‌تواند با برگزیدن بهترین‌ها سبب شود انگشت اشاره سازمان به سمت بهترین‌ها نشانه رود، چرا که همان کارها می‌توانند در یک میدان رقابتی آتی سرنوشت بهتری داشته باشند. علاوه بر این، داوران مربوط به هر بخش در

بیانه‌ای پایانی که در اختتامیه قرائت می‌شود پیشنهادهایی مبنی بر ارتقای کیفیت برنامه‌ها ارائه می‌کنند.

برنامه‌سازان و مدیران سازمان می‌توانند با توجه به این پیشنهادها در فرآیند برنامه‌سازی آتی، برنامه‌ها را به درستی هدایت کنند تا مأموریت خود را به لحاظ حرفه‌ای هر چه بیشتر و بهتر انجام دهند.

واقعیت این است که ما در برنامه‌های غیرنمایشی - جز در چند مورد - به سطحی از حرفه‌ای بودن که بتوانند با برنامه‌های بین‌المللی رقابت کنند، نرسیده‌ایم. «ماه عسل» و «سمت خدا» برنامه‌های استثنایی و موفق در ژانر خودشان هستند و نمونه‌های شبیه آنها را کمتر در تلویزیون‌های دنیا مشاهده می‌کنیم، بنابراین اگر ما سمت برنامه‌هایی روییم که چنین خصوصیتی داشته و برخاسته از خصوصیات ایرانی و اسلامی باشند جذابیت بیشتری خواهند داشت. در ضمن به لحاظ آموزشی و ارتقای سطح دانش و بینش تماشاگر موفق‌تر خواهند بود.

باید بپذیریم که صرف تقلید از برنامه‌های بیرون مرزی، راه به جایی نخواهد برد و همراه کسانی که الگوی اولیه را ساخته‌اند از ما جلوتر هستند. باید به سمت برنامه‌هایی برویم که ویژگی الگوی اول بودن را داشته و از شرایط فرهنگی، اجتماعی و اسلامی ما شکل گرفته باشند.

برنامه‌های موفق و تجلیل شده در جشنواره جام‌جم این واقعیت را اثبات کرده‌اند که تاثیرگذاری بیشتری دارند و همیشه درجه اول استقبال مخاطبان قرار گرفته‌اند. گمان شخصی من این است که چنین رویکرد و راهبردی باید در

برنامه‌های غیرنمایشی مورد توجه قرار گیرد. سریال‌هایی که با عنوان «الف ویژه» تعریف می‌شوند به دلیل امکانات و زمان بیشتری که صرف آنها شده است باید از سریال‌هایی که از چنین امکاناتی برخوردار نبودند، کیفیت بالاتری داشته باشند. بنابراین قضاوت کارهای «الف ویژه» با «الف» و «ب» در یک زمان، چندان عادلانه نیست و اگر در یک مسابقه هم‌زمان برنامه‌های «الف» از «الف ویژه» جلو بیفتند به یقین نقض غرض خواهد بود. اما در برخی رشته‌های هنری مانند بازیگری، تدوین، تصویربرداری و... می‌توان قضاوت عادلانه‌ای را میان بازیگر سریال «الف ویژه» با «الف» داشته باشیم، چرا که بازیگر شرایط متفاوتی را در این دو نوع سریال تجربه نخواهد کرد یا در تدوین ممکن است یک تدوینگر حرفه‌ای تدوین سریال «الف ویژه» و «الف» را توانمند به عهده داشته باشد و به طور حتم او در هر دو توانایی خود را به یک نسبت نشان می‌دهد، اما در کارگردانی و متن این گونه نیست، چون کارگردان و نویسنده در مجموعه‌های الف ویژه از شرایط بهتری برخوردار می‌شوند. پس باید تفاوت‌ها لحاظ شود و به نظرم این کار انجام خواهد شد.

تقریباً همه کارشناسان رسانه و اهالی هنرهای نمایشی بویژه در حیطه تلویزیون از کیفیت برگزاری و جنبه‌های رقابتی و داوری جشنواره در دوره‌های گذشته رضایت داشته‌اند. طبیعی است با توجه به بین‌المللی شدن و گسترش کشورهایی که به جشنواره اضافه می‌شوند کیفیت جشنواره به سطح بالاتری ارتقا پیدا خواهد کرد.

به نظرم باید طوری رفتار کرد که مدیران مدام توضیح ندهند بودجه این جشنواره را کاملاً اسپانسرها تامین می‌کنند. به هر حال مدیران اینچنین صلاح دیده‌اند و به یقین دلایل خاص خود را برای برگزاری جشنواره جام‌جم دارند. به همین منظور نخستین پیشنهاد برای برگزاری هر چه بهتر چنین رویداد هنری این است که داوران از میان اهالی تلویزیون انتخاب شوند و شناخت کافی نسبت به این مدیوم داشته باشند، چرا که تلویزیون مدیای ویژه‌ای است که باید داوران آن از درون همین گروه انتخاب شوند تا عادلانه به قضاوت بنشینند.

از سوی دیگر، قضاوت‌ها باید به سمت و سویی برود که هزینه تمام شده یک برنامه مورد توجه قرار گیرد، چرا که گاهی یک اثر محبوبیت نسبی داشته است، اما با هزینه‌ای کمتر نسبت به اثر دیگری تولید شده است یا برنامه‌های هزینه بالایی را صرف تولید کرده، ولی محبوبیت بیشتری نسبت به آثار کم خرج بردست نیاورده است.

باید توجه داشت تلویزیون مخاطب محور است و



از این حیث شاخصه‌هایی دارد که به عنوان مثال آن را در مقایسه با هنر رسانه‌ای چون سینما، متفاوت نشان می‌دهد. تلویزیون برای انتخاب برترین‌ها علاوه بر در نظر گرفتن کمیت و کیفیت فیلم باید به میزان استقبال مخاطب نیز توجه کنند. اگر دو برنامه به لحاظ کیفی برابر باشند داوران باید اثری را به عنوان بهترین انتخاب کنند که بودجه کمتری برای تولید آن صرف شده است. همه این موارد باید مورد توجه هیات داوران قرار گیرد تا سطح کیفی جشنواره ارتقا پیدا کند.

پیشنهاد من این است که بخش‌های متنوعی برای افزایش کیفیت داوری‌ها در نظر گرفته شود تا قضاوت‌ها عادلانه‌تر باشد، مثلاً سریال‌های «الف ویژه» در یک بخش قرار گیرند. این جشنواره نباید جنبه تبلیغاتی و نمایشی پیدا کند تا بتواند کارکردهای بهتری داشته باشد.

ضرورت حمایت از برنامه سازان برتر



سعید ابوطالب / تهیه کننده و برنامه ساز



عنصر اصلی در قضاوت و داوری برنامه های شرکت کننده در یک جشنواره تلویزیونی باید نوآوری و خلاقیت باشند، چراکه آنچه برنامه های تلویزیونی دنیا را از هم تفکیک یا برتر می کند، خلاقیت است؛ یعنی نه بر اساس هزینه و بودجه و نه حتی بر اساس حجم و نوع مسابقه. گاهی مسابقه هایی که کاملا کلیشه است و در همه جای دنیا برگزار می شود مانند مسابقه های تلفنی یا همان غیرحضور، تغییراتشان در حد اجرای یک مجری یا گرافیک آن است، اما می توانیم مسابقه های بسیار متنوع حضوری و غیرحضوری داشته باشیم.

مسابقه یکی از برنامه های اصلی تلویزیون است و حتی در دنیا شبکه هایی داریم که در شبانه روز مسابقه پخش می کنند، چرا که یکی از برنامه های جذاب تلویزیون محسوب می شود و این گونه برنامه ها، تلویزیون را از رسانه های دیگری مانند سینما و شبکه های خانگی جدا می کند. این ژانر در تلویزیون برای به کارگیری خلاقیت جای بسیاری دارد. کنشورهای زیادی بر اساس ساختار فرهنگی، قومیت، جغرافیا، اجتماع و سیاست مسابقه های مختلف را تولید می کنند. معتقدم ما نیز به دلایل مختلف مانند این که جامعه جوان و رو به توسعه ای داریم، می توانیم در عرصه مسابقه ها انرژی و خلاقیت بسیاری صرف کنیم. بنابراین عنصر اصلی در داوری برنامه هایی از این دست در جشنواره تلویزیونی جام جم باید خلاقیت و نوآوری باشد.

درواقع به طور عملی آثار برتر را مردم انتخاب می کنند، هرچند گروهی به عنوان داور در اس این انتخاب قرار گرفته اند. شبکه های مختلف مسابقه های متعدد تلویزیونی پخش می کنند، اما مدیران شبکه ها با توجه به میزان استقبال عموم مخاطبان از این مسابقه ها، برخی از آنها را که با اقبال عمومی روبه رو شده است به جشنواره معرفی می کنند، بنابراین دوره ناخودآگاه تحت تاثیر بازخوردهای مخاطبان نسبت به یک اثر هستند.

حذف داوری تخصصی غیر علمی است

وظیفه اصلی مسابقه تلویزیونی جذب مخاطب است و اگر یک مسابقه تلویزیونی نتوانسته باشد با مخاطب خود ارتباط برقرار کند ارزشی نخواهد داشت و نمی تواند به جشنواره راه پیدا کند، اما این که عده ای می گویند اصلا داوری وجود نداشته باشد و مردم خودشان مستقیم برترین ها را انتخاب کنند کمی غیر عملی و غیر علمی است. مثلا در جشنواره فیلم فجر بخش انتخاب مردمی داریم و افرادی به سینما می آیند و یک فیلم را به عنوان بهترین انتخاب می کنند، اما واقعیت این است مخاطبانی که فیلم های فجر را می بینند جامعه آماری کاملی را تشکیل نمی دهند و عموما فیلم هایی که منتخب تماشاگران می شوند در گیشه موفقیت چندانی به دست نمی آورند. شاید به این دلیل که مخاطبان فیلم های جشنواره

آگاه سازی مخاطبان؛ هدف اصلی مناظره ها

حسن معظمی

به یقین برنامه ای که مناظره نامیده می شود باید یکسری اهداف را دنبال کند، هر چند نه تنها در اصل برگزاری این برنامه مشکلی وجود ندارد، بلکه برای جامعه بسیار مفید خواهد بود. اما چنین برنامه هایی باید واقعا مناظره باشد نه یک گفت و گو تلویزیونی برای پرکردن وقت رسانه. در چنین مناظره هایی باید صاحب نظرانی حضور داشته باشند که بتوانند موضوع مناظره را درست حلای کنند و راهکار بدهند، یعنی بهتر است افراد مربوط به بحث، متخصص و صاحب نظر به این برنامه ها دعوت شوند. در برنامه هفته گذشته به موضوع مواد مخدر پرداخته شد که به نظر من باید با تامل و عمق بیشتری بحثها را دنبال می کردند، هر چند کار کرد یک برنامه تلویزیونی گرفتن نتیجه نیست، اما می توانست راهکارهای مفید بسیاری را به مسئولان ارائه و مخاطبان را آگاه کند. برنامه مناظره که جمعه ها عصر از شبکه یک سیما پخش می شود توانسته گام های خوبی را در راستای دستیابی به اهدافی مانند آگاه سازی مخاطبان و پاسخگویی به سوالات آنها بردارد.

آیا هدف اصلی برگزاری چنین برنامه ای، کمک به جامعه است یا نه فقط می خواهد هر بار بحثی را مطرح و از کنار آن براحتی بگذرد؟ یک مناظره زمانی موفق می شود که بتوان از آن نتیجه مفیدی گرفت و آن را

چراغ راه جامعه قرار داد. از طرفی ما می توانیم برای بهتر برگزار شدن این برنامه کارهای مفیدی انجام دهیم. مثلا می توانیم قبل از این که برای هر هفته بحثی را انتخاب کنیم تا مناظره برگزار شود، بیابیم اتاق فکری را در محوری که گزیده شده است، برگزار کنیم. این اتاق فکر باید با حضور صاحب نظران آن موضوع و براساس خواسته های جامعه برگزار شود تا کمک کند برنامه از آن چه هست بهتر برگزار شود. این اتاق فکر برای باز کردن پنجره ای رو به جامعه مفید خواهد بود.

البته به یقین، مدیران رسانه ملی اتاق فکر دارند و هر هفته در مورد موضوعات انتخابی بحث و تحقیق و پژوهش می کنند اما پیشنهاد من این است که اعضای اتاق فکر متغیر باشند. اگر رسانه ها با صاحب نظران تعامل خوبی داشته باشند می توان به آینده امیدوار شد. حقیقت این است که رسانه ملی در بسیاری از موارد می تواند با یاری گرفتن از صاحب نظران به نتیجه های بسیار مفیدتری دست یابد. در کل برگزاری چنین برنامه هایی برای جامعه مفید نخواهد بود و مسئولان صدا و سیما هم برای کمک و پیشرفت جامعه این گونه برنامه ها را ساخته اند که به نظر من نیز راهکارهای خوبی را می توان از طریق این برنامه به جامعه منتقل کرد.

یک قدم تا غما یا اوچ؟

محمد رضا پارسا

شاهگوش تیم سازنده ای متشکل از عوامل باتجربه سینما و تلویزیون دارد. مجموعه ای از بازیگر و کارگردان و نویسند و... که هر کدام می توانند به تنهایی باعث جذابیت و موفقیت یک فیلم یا مجموعه باشند. موسیقی خوب خلعتبری یا تیتراژی نو مخاطب را آماده دیدن اثری جذاب از کارگردان امام علی و مختارنامه می کند؛ انتظاری که احتمالا برآورده نمی شود. در قسمت اول این مجموعه نشان دادن صحنه های متعدد خیال شخصیت های مجموعه فقط موجب خستگی و دلزدگی مخاطب می شود و حس فریب خوردگی را به او القاء می کند؛ خیال های پشت سر هم مخاطب را نسبت به تمام قصه بی اعتماد می کند و پس از آن تا کارگردان تصمیم می گیرد شکل جدی تری به کار بدهد فاصله ای میان مخاطب و اثر ایجاد شده است به قاعده ندیدن بقیه این قسمت. قسمت های اولیه شاهگوش هم گرچه نشان می دهد میرباقری تلاش کرده تا تخیلات آزاردهنده بازیگران را کاهش دهد، اما از افتادن گروه در چاله دیگری هم خبر می دهد. شخصیت امیرعلی (حامد میرباقری) به کلی حذف می شود، رحمان شجاعت (اکبر عبدی) هم در پایان قسمت اول تصادف می کند و با نمایش مراسم ختمش رسما از کار کنار گذاشته می شود و تازه، شخصیت های دیگری به کار اضافه می شوند. یعنی دوباره روز از نو روزی از نو. دوباره از اول تلاش برای شناساندن شخصیت هایی تازه به مخاطب؛ شخصیت هایی که گرچه بازی آنها بهتر از بازیگران

قسمت اول است، اما فیلمبرداری بیش از ۹۰ درصد فیلم در فضای بسته کالنتری با هم اجازه نمی دهد مخاطب آن گونه که باید و شاید از کار لذت ببرد.

در میان شخصیت ها، دو شخصیت سرگرد اسد خفته و احمد سرخی تاکنون بهتر از بقیه پرداخت شده اند. تلاش میرباقری و توجه او به ریزه کاری های شخصیتی این دو باعث می شود تا در کنار بازی خوب گندم (طناز طباطبایی) مخاطب تا پایان در کنار مجموعه بماند. قسمت های اولیه این مجموعه از انتظار مخاطب فاصله زیادی داشته است؛ مخاطبی که شنیده بود با شاهگوش میرباقری فصلی نو در مجموعه های سینمای خانگی بوجود می آید، کمی تا قسمتی غافلگیر شده است. شاید به همین دلیل هم هست که حالا بحث هایی از این دست در میان مخاطبان سومین قسمت شاهگوش شنیده می شود که: «اصلا شاهگوش از قسمت های بعدی شروع می شود، چند قسمت اول شاهگوش مقدمه ای بوده برای قسمت های بعدی و...» به نظر می رسد قسمت های بعدی شاهگوش یا به طور کامل باعث فاصله افتادن میان علاقه مندان میرباقری با این مجموعه می شود یا گرایش مجدد مردم را به این مجموعه موجب خواهد شد. شاید اگر میرباقری با همان سبک و سیاق دو قسمت نخست، کار را ادامه داده باشد از این پس دیگر عطای مجموعه های سینمای خانگی را به لقایش ببخشید، اما در غیر این صورت، به واقع فصل دیگری در مجموعه سازی برای شبکه نمایش خانگی ایجاد خواهد شد.

راديو فصلی یا راديو محرم

احمد رضا علیزاده

راديو فصلی که معمولا براساس تغییرات فصلی در تقویم رسمی کشور، رویکرد خود را مشخص می کرد، در آستانه محرم، راديو محرم را راه اندازی کرد. در راديو محرم، برنامه صبحگاهی «فصل باران و عطش» (درباره موضوعات روز و گزارش وضع عزاداری های محرم در شهرهای مختلف) و نیز برنامه های دیگری که به پخش مداحی ها، مرثیه ها و سخنرانی های مرتبط با ایام محرم می پردازد، توانسته است مخاطب را با خود همراه کند. نمایش، تزیین و مقتل خوانی نیز از دیگر بخش های این شبکه رادیویی است که حضور خطبا، مداحان و هنرمندان برجسته در این

راه کیفیت کارهای این شبکه را ارتقا داده است. از آنجا که جامعه ایرانی در دهه اول محرم، سوگوار سالار شهیدان است و در برنامه های رادیویی نیز بیشتر به دنبال برنامه هایی است که حال و هوای این روزها را برایش تداعی کند، قطعا از یک ایده جامعه شناسانه و درست ناشی می شود و به همین دلیل اقبال مضاعف مخاطبان راديو را به همراه داشته است. آنچه مسلم است دریای راديو آن قدر وسیع است که با ایجاد موج های مختلف و محدود و متنوع سازی سوزها و رویکردها بتوان طیف های مختلفی از جامعه را با این رسانه گرم درگیر کرد و برایشان دغدغه های تازه ای به وجود آورد.

باورکردنی‌های پر مخاطب

نگاهی به ۳ فیلم تلویزیونی که از شبکه‌های مختلف سیما روی آنتن رفت

محمد رضا لطفی



صحنه‌ای از فیلم «اینجا آسمان همیشه ابری است»

تولید می‌شوند در رعایت این مرز و تراز موفق نبوده و قادر به انتقال درست پیام از طریق قصه‌گویی نیستند و همین باعث می‌شود تماشاگر با اثر ارتباط برقرار نکند. اینجا همیشه ابری است اگرچه سعی داشته قصه‌ای جذاب طراحی کند، اما ترکیب نادرست قصه و پیام آن را الکن و عقیم کرده است.

اوقات مشترک آنها: فیلمی به کارگردانی مجید اسماعیلی و تهیه‌کنندگی کامران مجیدی که پنجشنبه شانزدهم آبان ساعت ۱۹ از شبکه سه پخش شد و در آن مسعود کرامتی، مهدی صباغی و شیرین اسماعیلی ایفای نقش کردند. یونس کارمند بانک است و از طرف خواهرش تحت فشار است تا سهمش را از مغازه پدری‌اش بگیرد. در همین زمان دختر یونس هم در حال ازدواج است و او باید برایش جهیزیه فراهم کند، اما اوضاع مالی‌اش خراب است. دختر بزرگ یونس و همسرش در خانه او زندگی می‌کنند و پسرش هم اوضاع اقتصادی خوبی ندارد. همان روز بانک مورد سرقت قرار می‌گیرد و مقدار زیادی پول به سرقت می‌رود، اما به طور تصادفی یکی از کیف‌ها به دست یونس می‌افتد و او ندانسته کیف را به منزل می‌برد. خانواده که متوجه این موضوع می‌شوند او را تحت فشار قرار می‌دهند تا...

اوقات مشترک آنها را می‌توان بهترین تله‌فیلم هفته گذشته نام نهاد. فیلمی که از دو منظر کاملا از سایر رقبا جلوتر بود و باعث شده بود به اثری استاندارد تبدیل شود. نخست آن که این فیلم بخوبی تصویری از جامعه و اجتماع نشان می‌دهد که کاملا منطبق با واقعیت است و تماشاگر با آن احساس همدانیت‌پنداری می‌کند و فراموش نکنیم تماشاگر و مخاطب تلویزیون دوست دارد در قاب کوچک و جعبه جادویی اثری را مشاهده کند که خود نیز با آن درگیر است و سوژه و داستان و فضای این فیلم به گونه‌ای بود که خیلی از مردم و جامعه با آن درگیر هستند. بعلاوه انتخاب خوب بازیگران و بازی‌های به نسبت گرم در کنار کارگردانی تا حدودی سنجیده باعث می‌شود دایره مخاطب این اثر به طرز چشمگیری افزایش یابد. در ضمن فیلم خوشبختانه از شعار و پیام حداقل تا نیمه نخست به دور است و قصه‌ای دارد که قادر است مخاطب را بکشد. بهتر است بگوییم این فیلم از دو نیمه تشکیل شده است که ای کاش نیمه دوم هم به خوبی و قدرت نیمه اول بود تا اوقات مشترک آنها به یکی از پدیده‌های عرصه تله‌فیلم تبدیل شود، اما افسوس که فیلم هرچه خوب شروع می‌شود در نیمه دوم رو به زوال می‌رود و از خوب به معمولی و از معمولی به ضعیف تنزل می‌یابد. همچنین عنصر اتفاق افتادن کیف به دست یونس یکی از ضعف‌های فیلم به حساب می‌آید که نویسنده برای رسیدن به پایان مورد نظر دست به چنین کاری زده است و همین شدت گل درشت است.

اینجا آسمان همیشه ابری است: فیلمی که پنجشنبه شانزدهم آبان ساعت ۱۰ صبح از شبکه سه روی آنتن رفت و مهدی گلستانه آن را کارگردانی کرده بود. «اینجا آسمان همیشه ابری است» از تولیدات امسال به حساب می‌آید و تهیه‌کننده آن نیز محمدعلی تفکر بود. داستان این فیلم تلویزیونی درباره سیمین و نادر است که سال هاست ازدواج کرده‌اند، اما صاحب فرزند نشده‌اند. درست روزی که قصد رفتن به مشهد را داشتند همسر دوست مرحومش که یک خانم هندی به نام ریچی است برای انجام مراسم سالگرد فوت همسر مرحومش به تهران می‌آید و از نادر می‌خواهد او را به شمال ببرد. نادر هم به‌ناچار و برخلاف میل همسرش سفر خود را کنسل می‌کند و سیمین هم با ناراحتی و به اجبار همراه آنها به شمال می‌رود. در بین راه آنها متوجه می‌شوند ریچی سرطان خون دارد، اما...

در این فیلم شهرام قائدی، الیکا عبدالرزاقی و فقیه سلطانی ایفای نقش کرده‌اند. اثری که اگرچه قصه‌ای دارد و هدفش جذب مخاطب و سرگرم سازی اوست، اما به دلیل نداشتن موتور محرک و گره درست از چنین نیتی جا مانده است. اینجا آسمان همیشه ابری است اگرچه بازی‌های نسبتاً خوبی دارد، اما ریتم درونی و بیرونی بشدت غلط و ضعیفی دارد که این ریتم نادرست، هم در متن و هم در کارگردانی کاملا مشهود است و به چشم می‌خورد. این فیلم نیز مانند اثر قبلی شعارگونه و پر از اتفاق و حادثه است که نویسنده فقط برای پیشبرد قصه آنها را سر راه شخصیت‌های داستان قرار داده است و همین باعث شده محکم نباشند و تماشاگر نتواند با آنها احساس همدانیت‌پنداری کند. نکته‌ای که در چنین آثاری خیلی مهم و ضروری است تطبیق صحیح قصه و پیام است. متأسفانه نه این فیلم، بلکه بسیاری از تله‌فیلم‌هایی که

تعطیلات هفته گذشته به دلیل محرم و عزاداری سالار شهیدان رنگ و بوی خاصی داشت و آثار پخش شده بخصوص فیلم‌های تلویزیونی به نوعی یا مستقیم با فضای محرم در ارتباط بودند یا بیشتر به مباحث معنوی و عرفانی و دینی می‌پرداخت. با این حال فیلم‌های خارجی و انیمیشن نیز در سبب تعطیلات آخر هفته گذشته سهم داشتند.

گهواره خالی: فیلمی به کارگردانی شهرزاد سالمی که جمعه هفدهم آبان ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه از شبکه دو سیما پخش شد و در آن مریم کاویانی، حسن اسدی، حسین سالمی و امیرعباس سالمی ایفای نقش کردند. داستان این فیلم که تهیه‌کنندگی آن به عهده سپهر محمدی بود درباره دو برادر به نام‌های حسین و امیرعباس است که تلاش دارند با کمک دوستانشان در محل، به مادر یک شهید برای برگزاری هیات عزاداری امام حسین(ع) کمک کنند. حسین و امیرعباس یک شب در حال رفتن به خانه، به پیرزنی برمی‌خورند که در حال زدن پارچه سیاه بر سر در منزلش است. آنها به او کمک می‌کنند تا پارچه را به دیوار نصب کند. در همین حین دو برادر متوجه می‌شوند او مادر یکی از رزمندگان دوران دفاع مقدس است که از سرنوشت پسرش خبری ندارد و منتظر رسیدن خبری از اوست. حسین و امیرعباس با یکی از بچه‌های محل به نام نادر اختلاف دارند و همین باعث می‌شود آنها در مقابل نادر و هیات او تلاش کنند در خانه آن پیرزن هیاتی به نیت حضرت علی(ع) برپا کنند که...

«گهواره خالی» اگرچه در حال و هوای محرم است و سعی دارد مخاطب را وارد فضا کند، اما متأسفانه پر از شعار و پیام گل درشت است که این پیام‌ها به بدترین شکل و در سطح قرار دارند و به همین دلیل در هدف خود ناکارآمد و عاجز است. فیلم از دو معضل بسیار اساسی رنج می‌برد، نخست شخصیت‌پردازی‌های بسیار ضعیف و تک بعدی و دوم ضعف قصه و گره‌های نامناسب که باعث کسالت و خستگی تماشاگر می‌شود.

اگر نگاهی دقیق به آثار موفق عاشورایی و محرم داشته باشیم می‌بینیم همگی از یک داستان و قصه خوب بهره برده‌اند و موضوع محرم یا عاشورا با دقت و ظرافت به دل ماجرا و درام تنیده شده است و تماشاگر قصه‌ای را دنبال می‌کند که در لایه‌های درونی‌اش به ناخودآگاه مخاطب مدام آلام می‌دهد، اما آثاری از این دست متأسفانه چنان گل درشت و شعاری هستند که همان ۲۰ دقیقه نخست باعث دلزدگی می‌شود و کسی با آن همراه نمی‌شود. در ضمن کارگردانی و بازی‌ها باید با نگاهی استاندارد چیده شوند که گهواره خالی عاری از چنین امتیازی است و همین باعث پایین آمدن سطح کیفی این اثر شده است.



صحنه‌ای از فیلم «اوقات مشترک آنها»

داستان نه تنها پربارترین و شایع‌ترین فرم هنری است، بلکه رقیبی جدی برای دیگر کارها و فعالیت‌های روزمره ما نظیر خوردن، خوابیدن، ورزش کردن، کار کردن و... محسوب می‌شود. ما روزانه به همان میزان که می‌خواهیم، گوینده یا شنونده داستان‌های متعدد درباره موضوعات مختلف هستیم. حتی در خواب نیز به رویا فرو می‌رویم. در دنیای امروز نیز با وجود تمام پیچیدگی‌هایش در حجمی وسیع و با اشتیاهی شدید به مصرف فیلم، رمان، تئاتر و تلویزیون مشغول هستیم. دایره روابط ما هم در داستان‌هایی پراپهام که فقط ذهن بشری قادر به درک آن است، غوطه‌ور شده است. عطش ما برای شنیدن داستان یا قصه‌گویی، انعکاسی از نیازهای عمیق بشر به یافتن الگوهای زندگی نه صرفاً به‌عنوان یک مکمل ذهنی و فکری، بلکه در قالب تجربه‌ای کاملاً شخصی و عاطفی است.

این اشتیاق به داستان از دید برخی صرفاً نوعی تمایل به سرگرمی است. نوعی فرار از زندگی به جای کندوکاو و ماجراجویی در آن. اما باید پرسید سرگرمی در نهایت چه معنایی دارد؟ سرگرم شدن یعنی شرکت در مراسم داستان به خاطر هدفی که به لحاظ عاطفی یا عقلی راضی‌کننده است. برای بیننده یک فیلم، سرگرمی مترادف است با مراسم نشستن در سالن تاریک، تمرکز روی پرده سینما یا قاب تلویزیون برای تجربه کردن معنای داستان و همراه آن تحت تاثیر قرار گرفتن عاطفی و حتی گاهی دردناک و با عمیق‌تر شدن بر معنای داستان و پیام‌نشأت گرفته از آن و سرانجام رسیدن به لحظه‌ای که احساس می‌شود انتخاب آن فیلم کاملاً بجا و درست بوده است.

انواع فیلم‌ها با ارائه مدل تازه‌ای از زندگی که از معنایی عاطفی و تاثیرگذار نیرو می‌گیرد، بیننده را سرگرم می‌کنند. پناه بردن به این عقیده که بیننده صرفاً در پی خلاص شدن از مشکلات و فرار از واقعیت است، درواقع نفی مسئولیت هنرمند است. داستان از واقعیت فرار نمی‌کند، بلکه وسیله‌ای است که ما را در جستجوی حقیقت پیش می‌برد. بهترین تلاش ما برای معنا بخشیدن به هرج و مرج نیز هستی است. با وجود این در حالی که گسترش فزاینده رسانه‌ها این فرصت را فراهم کرده تا بتوانیم ورای مرزهای زبانی برای داستان‌های خود میلیون‌ها مخاطب جذب کنیم، داستان‌گویی در مجموع وضعی رو به افول دارد. چنانچه بسیاری از نویسندگان ایرانی و خارجی در گفت‌وگوهای خود بارها به این مساله تاکید داشته‌اند که یک فیلمنامه خوب می‌تواند یک نتیجه خوب به همراه داشته باشد. حتی اگر بازیگران در غایت توانمندی خود ظاهر نشوند و مشکلات بودجه و برآوردهای مالی پایین امکانات کیفی ایده‌آلی برای ساخت بهترین اثر فراهم نکند.

چراکه داستان‌گویی ناقص و نادرست جذابیت ظاهری را جایگزین محتوا و فریبکاری را جایگزین حقیقت می‌کند. داستان‌های ضعیف در تلاش بی‌امان برای جلب توجه به فیلم‌هایی پرزرق و برق و تزئینی اما دروغگو هستند. از این‌رو رفتار بازیگران هم در این فیلم‌ها از باورپذیری و انعطاف رفته رفته دور می‌شود؛ بنابراین فرهنگ بدون یک روند داستان‌گویی صادقانه و قدرتمند نمی‌تواند شکوفا شود.

گزارشی از پشت صحنه برنامه رادیویی «ما بازیگریم»

کشف استعدادها با بازیگری رادیویی

غزاله باران



برنامه «ما بازیگریم» رادیو جوان در جشنواره ای بی یو (ABU) صاحب مقام شده است. برای تهیه گزارش از این برنامه به استودیوی شماره یک، ساختمان شهدای رادیو می روم.

پیری، سردبیر و تهیه کننده، میرهادی مظلومی یکی از کارشناسان برنامه درباره کار و اجراء در حال صحبت هستند. وقتی یکی از شرکت کننده ها تست بازیگری می دهد، هادی ابوالفضلی موسیقی شادی را پخش می کند.

تلفیق سلیقه و هنر

هادی ابوالفضلی (صدابردار) با اشاره به این که برنامه ها باید صدابرداری خوبی داشته باشند، می گوید: اگر تلاش کار گروهی نباشد برنامه نمی تواند موفق باشد. این مهم در هر زمینه ای صدق می کند. معتمد سلیقه و هنر باید با هم عجین گردد تا کار خوبی تولید شود.

ابوالفضلی ادامه می دهد: برنامه ما بازیگریم به علت حضور شرکت کننده ها و مخاطب نسبت به دیگر برنامه های رادیویی سخت تر به نظر می رسد، چون شرکت کنندگان، فضای کار رادیو را نمی شناسند.

از ابوالفضلی می پرسیم وقتی شنیدید برنامه در ای بی یو مقام به دست آورده چه حس و حالی داشته است، می گوید: خیلی خوشحال شدم، آثاری از آسیا و اقیانوسیه در این جشنواره حضور داشت، اما انتخاب ما بازیگریم از ایران و رادیو جوان باعث سرفرازی تیم سازنده برنامه شد که جا دارد همین جا به همه اعضای گروه تبریک بگویم.

درهای رادیو باز است

عباس پیری می گوید: این اثر یک سال و نیم است از این شبکه رادیویی پخش می شود.

من همواره کارم را خیلی جدی می گیرم. برنامه پنج دقیقه ای یا طولانی تر و روتین برایم فرقی نمی کند، چون برایش وقت می گذارم. خدا را شکر می کنم که در بخش تعاملی جشنواره، برنامه اول شد و رتبه آورد.

پیری در خصوص محتوای برنامه ادامه می دهد: این برنامه در واقع یک مسابقه است؛ یک مسابقه تست بازیگری بین هنرجویان و دانشجویانی که برای بازیگری می آیند و تست می دهند. این برنامه سه داور و کارشناس دارد؛ میرطاهر مظلومی، فریبا متخصص و مریم کلابانی. شرکت کنندگان در حضور این بازیگران و داوران تست بازیگری رادیویی می دهند.

او تصریح می کند: برنامه از مراحل مختلفی تشکیل شده است و شرکت کنندگان باید آن مراحل را بگذرانند و از میان این دوستان یک نفر به عنوان منتخب به مرحله بعدی راه می یابد و تمام کسانی که به مرحله بعدی می روند در یک روز جمع می شوند و مسابقه می دهند و چند نفر از این دوستان در آینده به صورت تیم، نمایشی اجرا می کنند. ما بازیگریم در حال حاضر پنجشنبه ها ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه پخش می شود.

پیری در خصوص برنامه ای که برای ای بی یو تهیه شده بود، می گوید: در آن برنامه آقای بهزاد فراهانی، سرکار خانم مهاداد تولک از تهیه کنندگان خوب اداره کل نمایش و سرکار خانم پوران درخشنده کارگردان سینما، آقای صدرالدین شجره و حسین محکام از نویسندگان به عنوان داور در برنامه حضور داشتند و برنامه را ارزیابی کردند.

وقتی از پیری می پرسیم علاقه مندان به چه صورت می توانند در برنامه حضور پیدا کنند، می گوید: شرکت کنندگان می توانند از طریق سایت برنامه، بیوگرافی خود را برای ما بفرستند. ما همه علاقه مندان را به برنامه دعوت می کنیم. ان شاءالله از بین علاقه مندان، صداهای خوب و بازیگرهای خوب کشف بشود و رادیو جوان افتخار داشته باشد که بتواند دوستان جوان را به هنر ایران معرفی کند.

پیری، هدف از تهیه این برنامه را استعداد یابی می داند و می گوید: ما فقط استعدادیابی کرده و آنها را به گروه های

شرکت کنندگان داخل استودیو و حال و هوای مسابقه ارائه کنم.

گوهر کمیاب در رادیو

خیلی دوست داشتم با نویسنده برنامه ما بازیگریم هم گفت وگویی داشته باشم.

رونقی می گوید: خانم عبداللهی برای ادامه تحصیل در خارج از ایران به سر می برد. از طریق اینترنت و رایانه با او صحبت می کنم.

پروانه عبداللهی، نویسنده برنامه ما بازیگریم، کسی که از سال ۸۲ در رادیو جوان نویسندگی برنامه های مختلفی را آغاز کرده است، می گوید: نوشتن برای یک مسابقه به خودی خود یکسری ویژگی هایی دارد که به هیچ وجه با دیگر برنامه ها قابل قیاس نیست (صرف نظر از سخت یا آسان بودن آن) ولی برنامه ما بازیگریم از یکسری آیت مهایی تشکیل شده که قرار بود ضمن حفظ جنبه سرگرمی یک مسابقه، استعداد آدم های علاقه مند به بازیگری را بسنجد و با حضور داورانی که هر کدام خودشان از استادان این کار هستند کار سخت تر می شود، همه اینها به اضافه این که برنامه، بازیگر یاب رادیویی است؛ یعنی مدنظر داشتن شنونده ای که باید از این فضا، هم لذت ببرد، هم منتظر قسمت بعدی و احتمالاً فینال باشد تا ببیند کی برنده می شود؛ ولی همه اینها دلیل بر سخت بودنش نیست.

کشف استعداد های نو

وقتی برنامه تمام می شود خودم را به پشت اتاق شیشه ای استودیو جایی که شرکت کننده ها و داوران حضور دارند می رسانم. متوجه می شوم تعدادی از علاقه مندان به حرفه بازیگری دور داوران جمع شده اند و اشکالات صدای خود را می پرسند.

میرطاهر مظلومی از داوران برنامه می گوید: شرکت کننده هایی که با زدن پیامک علاقه خود را برای شرکت در برنامه اعلام کرده اند، از سوی کارشناسان روابط عمومی رادیو جوان زمینه حضورشان در مسابقه فراهم می شود.

این برنامه، هم برای ما داورها و هم برای مخاطبان که علاقه مند به حرفه بازیگری در رادیو هستند، پر از تجربه است. مهم این است که ساعتی را با عزیزان در حال یاد گرفتن مطلب می گذرانیم. این برنامه استعدادها را شناسایی می کند و به نوعی تحقیقات میدانی است. مطمئنم کسانی که در این گروه انتخاب می شوند، می توانند آینده درخشانی داشته باشند. ما هم بر اساس تجربه و شناختی که از دنیای صدا داریم، صدای این علاقه مندان را بررسی می کنیم. متن هایی که به دوستان برای تست بازیگری و اجرا داده می شود، روی تک تک آنها فکر شده است. ما نکته هایی را دنبال می کنیم. امیدوارم ریاست شبکه هم در جهت استفاده از صداهای نو و خوب از این عزیزان استفاده کنند و این برنامه به شهرها و جاهای مختلف سفر کند.

برد و باخت معنایی ندارد

دانیال رضایی، از شرکت کنندگانی که به مرحله نهایی راه پیدا کرده است، می گوید: برنامه را گوش می دادم، ولی چون در تئاتر هم فعالیت دارم از سوی یکی از دوستان متوجه شدم در برنامه تست می گیرند. من هم علاقه مند شدم در برنامه شرکت کنم و فریبا متخصص و میرطاهر مظلومی صدای من را از نزدیک بشنوند و آن را بررسی کنند که آیا به درد بازیگری می خورم یا خیر؟

رضایی می گوید: مسابقه از بخش های مختلفی تشکیل شده است. در مرحله اول باید بیوگرافی از خود و زندگی ام ارائه می کردم. در مرحله بعدی باید تست بازیگری بدهم.

او معتقد است در این مسابقه برد و باخت معنایی ندارد، بلکه بیشتر با لحن و بیان خود آشنا می شوی و می فهمی آیا صدایت مناسب است یا خیر؟

می گوید: معمولاً دغدغه های زندگی را پشت در استودیو می گذارم و آنقدر عاشق کارم هستم که پشت میکروفن غیر از مخاطب به هیچ چیز دیگر فکر نمی کنم. او در خصوص لحن و بیان در این برنامه مسابقه محور می گوید: با لحن دوستانه برنامه را اجرا می کنم. البته اجرای بخش های مختلف برنامه با هم فرق می کند. ارتباط با علاقه مندان به حرفه بازیگری مهم است، چون سعی می کنم بیشتر به آنها روحیه بدهم تا بدون استرس بتوانند برنامه را اجرا کنند.

امید به تکرار این موفقیت

وحید رونقی، اولین گوینده برنامه ما بازیگریم که به دلیل اجرای خوبش توانست مقام برتر را در مسابقات ای بی یو از آن خود کند، با ابراز خوشحالی از این موفقیت می گوید: امیدوارم این موفقیت در سال های بعد هم تکرار شود. این قیاس و سنجش با برنامه های حوزه آسیا و اقیانوسیه صورت گرفته که باعث افتخار و آبرو برای رادیوست.

رونقی که شش ماه گوینده این برنامه بوده و پس از آن از رادیو جوان به رادیو تهران کوچ کرده و گویندگی «مسابقه ۱۰۰ درصد» و دو برنامه «تهران در شب» شنبه شبها و چهارشنبه شبها را به عهده دارد، می گوید: البته قبل از ای بی یو، ما بازیگریم در جشنواره دوازدهم رادیو در بخش بین الملل رتبه به دست آورده بود.

او در خصوص لحن و بیان در این برنامه می گوید: دو ماجرا خوبی در ما بازیگریم رعایت شده است. یکی بعد حرفه ای که ما از کارشناسان عرصه بازیگری برای تست و مسابقه بازیگری شرکت کنندگان کمک می گیریم و نظرات تخصصی آنها مطرح شود و دوم این که بعد تفریحی برنامه که برنامه تخصصی و حرفه ای نشود که مخاطب عام را پس بزند و آنقدر نیز عامیانه نشود که بعد حرفه ای آن زیر سوال برود. من به عنوان گوینده سعی می کردم نظرات کارشناسی مطلق توسط کارشناسان ارائه شود و وارد این حوزه تخصصی نمی شدم و اگر نظری داشتم ورود پیدا نمی کردم و فقط اجرای ریتیم برنامه را به عهده داشتم و سعی می کردم برای مخاطب خود، تصویری از

برنامه ساز معرفی می کنیم. حتی تست شرکت کنندگان را به مدیر رادیو جوان ارسال می کنیم. ایشان کارها را می شنوند و اگر کسی صدایش مناسب شبکه جوان باشد قطعاً از او دعوت خواهد شد. کسانی که فکر می کنند درهای رادیو بسته است و امکان ورود ندارند باید بدانند درهای رادیو باز است و می توانند بیایند و در این آزمون شرکت کنند.

بچه های جوان گل زند

مدیر رادیو جوان برای ارزیابی برنامه، در استودیو حضور می یابد. وقتی از مهندس بهنام احمدپور، مدیر رادیو جوان می پرسیم چطور شد رادیو جوان توانست برنده شود در پاسخم می گوید: بحث برنده شدن رادیو جوان مطرح نیست. به نظر رادیوی جمهوری اسلامی ایران برنده شد و آن چیزی که اتفاق افتاد، نتیجه تجربیات و زحمات انباشته ای بود که در رادیو طی سالیان متوالی گرد آمده بود.

بچه های رادیو جوان به بزرگ ترهایشان نگاه کردند و توانستند برنامه هایی بسازند که آنجا مورد توجه قرار بگیرد. این ظرفیتی است که در تمام شبکه های رادیویی ما وجود دارد. فکر می کنم اگر ما رادیو را به یک تیم تشبیه کنیم، بچه های شبکه جوان فقط گلش را زدند. بقیه دوستانمان در شبکه های دیگر کمک و میدان رقابت را برای بچه های شبکه جوان فراهم کردند.

مدیر رادیو جوان ادامه می دهد: با این انگیزه ای که ما به دست آوردیم قطعاً برنامه سازان را بیشتر حمایت می کنیم. وقتی احساس کردیم می توانیم در میدان های بین المللی هم موفق باشیم، بیشتر تلاش کردیم. برنامه های روتین رادیو این ظرفیت را دارد که در جاهای دیگر مطرح شود. فکر می کنم کم لطفی باشد اگر نخواهیم خیلی جدی دنبال این که ایران را بیش از گذشته معرفی کنیم، نرویم و آن را در عرصه های بین المللی مطرح نکنیم. فکر کنم همه شبکه های رادیویی چنین حسی دارند.

اجرای برای مخاطب

نسیم رفیعی، گوینده فعلی برنامه «ما بازیگریم» - که به مدت یک سال است با برنامه همکاری می کند -



هنوز خلأهائي وجود دارد و ميآن كشورهاي اسلامي، كشورهاي هستند كه از شش ميليون نفر جمعيت خود، يك ميليون حافظ قرآن كريم دارند، در حالي كه ما هنوز به اين جاگاه نرسيدهايم.

او در ادامه صحبت‌هايش مي‌گويد: من با تنوع روش‌ها موافق هستم و نمي‌توانيم همه را به اجرائي يك روش واحد وادار كنيم. تنوع در روش‌هاي آموزش قرآن كريم خوب است، زيرا افراد سليفه‌هاي مختلفي دارند و هر كس براساس ذوق خود مي‌تواند روش مورد نظر خويش را انتخاب كند، اما لازم است اين تنوع مبتني بر اصول علمي و مطلوب باشد. در غير اين صورت موثر واقع نمي‌شود.

محمدرضا پورمعين، مجري - كارشناس برنامه هميشه در كار خود، ريزبين و نکته‌سنج است و به گفته خودش، وسواس خاصي دارد. او اجرائي برنامه را به دليل رويكرد جديد و متفاوتي كه نسبت به ديگر برنامه‌هاي راديو قرآن دارد، پذيرفته است.

پورمعين مي‌گويد: وقتي برنامه‌اي در سطح عام و خاص اين گونه مورد استقبال قرار مي‌گيرد، نشان‌دهنده موفقيت آن در سطحي گسترده است و هدف ما در زمان اجراء، رسيدن به پاسخ صحيح است. او در اين فرصت، از همه افراذي كه در سطح ملي داراي روش نوين آموزش قرآن هستند، دعوت مي‌كند تا ايده‌ها و روش‌هاي خود را ارائه كنند.

فاطمه رحمانی، تهیه‌کننده و سردبیر برنامه «افق» می‌گوید: رهبر معظم انقلاب در دیدارهایی که با جامعه قرآنی داشته‌اند و همچنین بیاناتشان در دیدارهای عمومی، همواره اتفاقات حوزه قرآنی کشور را رصد می‌کنند و رهنمودهایی درباره نقش و جایگاه قرآن در تمام مراحل زندگی شخصی و اجتماعی داده‌اند که ما برنامه «افق» را براساس آنها بنا کرده‌ایم.

در این برنامه، موضوعات مختلف و مطالبات قرآنی دسته‌بندی شده که در هر قسمت از برنامه براساس موضوع برنامه، از کارشناسان و مسئولان دعوت می‌شود با حضور در این برنامه زنده، راهکارهای مناسب برای برون‌رفت از مشکلات ارائه شود.

در بخش پایانی برنامه، درباره عنوان آن صحبت می‌شود. پورمعین می‌گوید: حروف کلمه افق (عنوان برنامه) برای عوامل برنامه دارای این معناست؛ الف: آگاهی، اطلاع‌رسانی و اعتمادبخشی در حوزه فعالیت‌های علوم قرآنی است. ف: فکر، اندیشه و تدبیر در حوزه طرح و برنامه‌های قرآنی است و ق: قضاوت کارشناسان و مخاطبان برنامه؛ اما مهراڻ رهبر حقیقت، مدیر روابط عمومی راديو قرآن در این زمینه می‌گوید: سه حرف تشکیل‌دهنده کلمه افق، حروف اول آینده فعالیت‌های قرآنی است.

رحمانی هم معتقد است در این برنامه، افق پیش روی جامعه قرآنی و رسیدن به نقطه مطلوب بررسی می‌شود و به همین دلیل، عنوان افق برای این برنامه انتخاب شده است.

در فرصتی که دست می‌دهد، با گلی‌زاده، مدیر تولید و بخش راديو قرآن - که تا اتمام برنامه در استودیو حضور دارد - هم‌کلام می‌شوم.

او معتقد است، اجراء و ارائه برنامه‌های راديويي به نظر ساده می‌آید، ولی برنامه‌سازی فرآیندي پیچیده است. در این فرآیند برای این که برنامه‌ای جذاب و شنیدنی شود، نیاز است عوامل علاوه بر دانستن علم و اصول کار، خلاق و نوآور هم باشند که این بخش مشترک برنامه‌سازی در شبکه‌های مختلف راديويي است، اما در شبکه‌های تخصصی همچون راديو قرآن نیاز است به منظور ترویج فرهنگ علوم قرآنی در همه سطوح آموزه‌های قرآنی در حوزه برنامه‌سازی راديويي به گونه‌ای طراحی شود تا ضمن این که برای مخاطب آموزنده است، او را به سمت فرهنگ قرآنی سوق بدهد و روی سبک زندگی اقشار مختلف جامعه نیز تاثیرگذار باشد.



موجی که به «افق» می‌رسد

گزارش پشت صحنه برنامه «افق» راديو قرآن

سیمای پویا

کارشناس حضوری برنامه امروز، حجت‌الاسلام حمید محمدی، معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. دیگر کارشناس برنامه - که از طریق تلفن روی آنتن می‌آید - مهدی قره شیخ‌لو، رئیس سازمان دارالقرآن است. در این برنامه همچون هفته گذشته وضع شورای توسعه فرهنگ قرآنی کشور، اهداف و راهبردهای آن و همچنین آموزش عمومی قرآن کریم در کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اولین پرسشی که مطرح می‌شود، درباره فعالیت شورای توسعه است. حجت‌الاسلام حمید محمدی، معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیر شورای توسعه فرهنگ قرآنی کشور در پاسخ به این پرسش می‌گوید: هفته گذشته، اهداف آموزش عمومی قرآن کشور برای اولین بار به تصویب رسید که می‌تواند راهنمای وزارت آموزش و پرورش و دستگاه‌های قرآنی کشور باشد. وی از نهادینه شدن فرهنگ انس با قرآن و تربیت ده میلیون حافظ قرآن کریم به‌عنوان چشم‌انداز آموزش عمومی قرآن کشور یاد می‌کند و می‌گوید: ایجاد توانایی خواندن، همراه با فهم و تدبیر قرآن و بهره‌گیری از تعالیم آن در زندگی، رسالت آموزش عمومی قرآن در کشور است.

حجت‌الاسلام محمدی در خصوص وظایف کلی شورای توسعه فرهنگ قرآنی کشور همچنین می‌افزاید: جامعه قرآنی بیش از ۳۰ سال در آرزوی جایگاهی برای تمرکز برنامه‌ریزی کلان قرآنی در کشور بود که این آرزو سال ۸۸ محقق شد و منشور توسعه فعالیت‌های قرآنی کشور به تصویب رسید. در این منشور ۹ هدف و راهبرد مشخص و ارگان‌های اجرایی و اعضای آن نیز تعیین شده است. شورای توسعه فرهنگ قرآنی به‌عنوان بالاترین مقام قرآنی کشور در این منشور مشخص شده است. در نهمین بند این منشور تصریح شده، همه مصوبات قرآنی کشور در شورای توسعه فرهنگ قرآنی تعیین شده و برای تمامی دستگاه‌ها لازم‌الاجراست. در ادامه برنامه، مهدی قره شیخ‌لو رئیس سازمان دارالقرآن

یکی از اهداف راديو قرآن، گسترش و ترویج فرهنگ علوم قرآنی در جهت تحقق و پیگیری مطالبات قرآنی جامعه، مطالبات رهبر معظم انقلاب در حوزه علوم قرآنی و همچنین اطلاع‌رسانی از شرایط فعالیت‌های قرآنی کشور در رسانه شنیداری راديوست. به همین منظور، برنامه «افق» کاری از گروه اطلاع‌رسانی راديو قرآن هر هفته شنبه‌ها از ساعت ۱۴ و ۱۵ دقیقه به مدت یک ساعت به صورت زنده روی موج افام ردیف ۱۰۰ مگاهرتز از راديو قرآن به این مهم می‌پردازد.

با این که تاکنون تنها چند برنامه افق روی آنتن رفته، ولی به دلیل به روز بودن خبرها و رویدادهای جامعه قرآنی کشور و پیگیری مشکلات و مسائل علوم قرآنی تا رسیدن به پاسخ منطقی از طرف مسئولان ذی‌ربط و برطرف شدن چالش‌ها و مشکلات پیش‌رو در همین مدت کوتاه مخاطبان خاص خودش را پیدا کرده، به گونه‌ای که مساله مطرح شده در برنامه، هفته‌های گذشته موجب شد یکی از مصوباتی که در حوزه علوم قرآنی کشور مدت‌ها روی آن بحث بود، به تصویب برسد.

ساعت ۱۴ است. وارد استودیوی بخش راديو قرآن می‌شوم. اخبار نیمروزی بخش می‌شود. عوامل برنامه در حال گفت‌وگو هستند، ولی نگران به نظر می‌رسند، چون مجری - کارشناس برنامه، محمدرضا پورمعین به دلیل بارانی بودن تهران در ترافیک خیابان ولیعصر گیر کرده است. چشم‌ها به ساعت دیجیتال استودیوست. دقایق بسرعت سپری می‌شود. گلی‌زاده، مدیر بخش و تولید برنامه‌های راديو قرآن هم در استودیو حضور دارد. بار دیگر با تلفن همراه پورمعین تماس گرفته می‌شود. او می‌گوید، وارد محوطه سازمان صدا و سیما شده است. همگی نفس راحتی می‌کشند، گرچه برنامه با دقایقی تأخیر روی آنتن می‌رود.

نیز روی خط تلفنی برنامه می‌آید و درباره موضوع مورد بحث توضیحاتی می‌دهد.

در فواصل برنامه با بخش تلاوت‌های کوتاه و شاخص همچنین کیدواژه‌هایی از سخنان رهبر معظم انقلاب درباره اهمیت انس با قرآن، بر قرائت و فهم و تدبیر در قرآن کریم تاکید می‌شود.

کارشناسان معتقدند، تعدد روش‌های آموزش قرآن مانعی برای رسیدن به نقطه کمال و مطلوب نیست، بلکه وحدت رویه در تدریس قرآن شرط پیشرفت قرآنی جامعه است.

محمدرضا گلی‌زاده استاد، مدیر تولید و بخش راديو قرآن که در استودیو حضور دارد، با عوامل و مهمان برنامه در حال گفت‌وگوست.

وی می‌گوید: این برنامه با هدف پیگیری امور قرآنی و رصد فعالیت‌های قرآنی کشور و همچنین تسریع کار در بخش‌های مختلف مرتبط با جامعه قرآنی روی آنتن می‌رود، زیرا برنامه‌ریزی منسجم در هر کاری سبب تسریع در انجام کار می‌شود.

در ادامه برنامه، معاون قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این که در آموزش قرآن دچار عقب‌ماندگی تاریخی هستیم، می‌گوید: به‌رغم پیشرفت‌های صورت گرفته در حوزه قرآنی

کارشناسان معتقدند، تعدد روش‌های آموزش قرآن مانعی برای رسیدن به نقطه کمال و مطلوب نیست

سر مشق آوینی برای مستندسازی

صحبت‌های خالق مستند تلویزیونی «آخرین روزهای زمستان» به بهانه جایزه‌باران در جشنواره آوینی



محمد رضا رمضان پور

مجموعه مستند تلویزیونی «آخرین روزهای زمستان» کاری از گروه حماسه و دفاع مقدس شبکه یک به کارگردانی محمدحسین مهدویان توانست در چهارمین جشنواره شهید آوینی بخوبی بدرخشد. این اثر تندیس و دیپلم افتخار بخش فیلمبرداری، تندیس و دیپلم افتخار بخش تدوین و جایزه ویژه هیات داوران شامل تندیس شهید آوینی، لوح افتخار و هدیه نقدی برای اجرای خلاقانه و حرفه‌ای مستندسازی را از آن خود کند. این اثر تلویزیونی، مستندی درباره حسن باقری است که سال گذشته روی آنتن رفت. بیشتر صحنه‌های آن بازسازی دوران دفاع مقدس است، به طوری که به نظر می‌رسد صحنه‌ها واقعی و از آرشیو است. مهدی زمین‌پرداز، بازیگر نقش شهید باقری بوده و از صدای واقعی باقری، در این مستند تلویزیونی استفاده شده که نویسندگی و کارگردانی آن را محمدحسین مهدویان به عهده داشته است. مهم‌ترین و جذاب‌ترین بخش این کار استفاده از تصویربرداری ۱۶ میلی‌متری است که به سبک و سیاق برنامه‌های «روایت فتح» ساخته شده است. تصاویر قدیمی و سیاه و سفید یادآور مستند روایت فتح است که با صدای سیدمحمد آوینی برادر شهید مرتضی آوینی همراه است.

محمدحسین مهدویان، سازنده این مستند در این باره می‌گوید: من برای ساختن این مجموعه مستند سال‌ها تلاش کردم و برای بهتر ساخته شدن آن از برادر شهید باقری کمک خواستم تا بتوانم آن چیزی را که در شأن شهید باقری بود، بسازم. فکر ساخت این مستند از زمانی به ذهن من رسید که احساس کردم چیزی در بخش مستند کم است. در واقع بخشی که من به آن پرداختم، در ایران به آن توجه نشده است و تمام مستندهایی که ساخته می‌شود، ساختاری تکراری دارد.

وی درباره چگونگی تولید این مجموعه مستند می‌گوید: این فیلم مستند به صورت طرح اجرا شد، یعنی مستندی که ساخته شد به شکل مصاحبه نبود. من این طرح را با کسانی آغاز کردم که با جان و دل پای کار ایستاده بودند و دلسوزی فراوانی نسبت به کار

نشان می‌دادند. من و دوستانم که تصمیم به ساخت این مستند گرفتیم یک تیم بودیم، تیمی که تاکنون تجربه به این بزرگی نداشته است. همه کسانی که من را در ساخت این طرح یاری کردند جوان و کم‌تجربه بودند، اما با این حال به آنها اعتماد کردم و شکر خدا توانستیم یک کار حرفه‌ای بسازیم و به نمایش درآوریم. مهدویان در ادامه می‌گوید: ما زمانی که مستند آخرین روزهای زمستان را می‌ساختیم، دیدیم با خلأ فرهنگی بسیار بزرگی در عرصه مستندسازی روبه‌رو هستیم، چون ما با توجه به موقعیتی که داریم، می‌توانیم قهرمانان بزرگی را به مردم بشناسانیم، نه این که فقط در سالگرد آنها، بنری چاپ کنیم و آن را در خیابان‌ها برافرازیم و بر در و دیوار بکوبیم.

خالق این مجموعه مستند دینی می‌گوید: آخرین روزهای زمستان را در بیست و هشت سالگی ساختم، در حالی که تجربه چندانی نداشتم. این کار سختی‌های فراوانی از جمله تهیه بودجه داشت. واقعا برای مسئولان تامین بودجه ۷۰۰ میلیون تومانی برای یک اثر مستند سخت بود. در نهایت با تمام مشکلات توانستیم مستندی به یاد ماندنی بسازیم. پس از این که ساخت این طرح به اتمام رسید سعی داشتیم به نوعی مطلوب آن را در صدا و سیما به نمایش دربیابیم.



او در پی موفقیت آخرین روزهای زمستان نزد مردم و نیز توجه جشنواره‌ها، درصد است مسیر خود را ادامه دهد. وی در این زمینه می‌گوید: پس از این که این طرح تمام شد، به این فکر افتادم تا قهرمانان کشور را به نوعی جذاب به تصویر بکشانم، همان‌طور که توانستم زندگی و رشادت‌های شهید باقری را مستند کنم.

فعال روی دو طرح کار می‌کنم که آنها هم یکی شرح زندگی شهید زین‌الدین و دیگری شرح زندگی شهید متوسلیان است. من و گروهم روند تحقیقات این دو طرح را هم مانند طرح شهید باقری دنبال می‌کنیم تا بتوانیم زندگی این دو عزیز بزرگوار را نیز به نوعی که شایسته است، به نمایش بگذاریم. در کنار این دو طرح، طرحی را نیز به نام «ژنرال» دنبال می‌کنم که مربوط به بهمن سال ۵۷ و ۵۸ است که به احتمال زیاد امسال فیلمبرداری آن شروع می‌شود و امیدوارم این طرح هم یکی از بهترین کارهایی باشد که انجام دادم.

او که با آخرین روزهای زمستان، علاوه بر توجه چشمگیر جشنواره شهید آوینی در جشنواره سینماحقیقت امسال نیز پذیرفته شده است، می‌گوید: من و دوستانم هرچه داریم از شهید آوینی و برادر بزرگوار وی سیدمحمد آوینی است، زیرا تمام پیشرفت‌های خودمان را مدیون شهید آوینی هستیم. روزی که توانستم جوایز مهم جشنواره شهید آوینی را از آن خود کنم، گفتم همه را مدیون سیدمحمد آوینی هستم.

درواقع خیلی خوشحالم که نخستین جایزه ارزشمند خودم را در جشنواره شهید آوینی گرفته‌ام. وی با اشاره به سر مشق گرفتن از مستندسازی شهید آوینی به دشواری این راه اشاره می‌کند و می‌گوید: ساخت چنین فیلم‌های مستندی بسیار سخت است. منظور از سخت بودن این نیست که نمی‌شود طرف آنها رفت یا دیگر چنین فیلم‌های مستندی را ساخت، بلکه باید با حمایت قابل توجه در این مسیر حرکت کرد.

من معتقدم صدا و سیما همان‌طور که از آخرین روزهای زمستان حمایت کرد باید این راه را ادامه دهد. باید توجه داشت شرح زندگی یک قهرمان بسیار ارزشمند است، بویژه وقتی این قهرمانان برای این مرز بوم باشند.

۷۱۳۴---۰۹۱۲: از گفت‌وگوی خوب قاب کوچک با جواد هاشمی و طرح جلد جذاب شماره قبل تشکر می‌کنم.

۳۴۹۰---۰۹۳۵: چرا از برنامه تلویزیونی کافه سوال گزارش پشت صحنه منتشر نکرده‌اید؟ در این شماره می‌توانید گزارش این برنامه را در صفحه ۵ بخوانید.

۸۰۰۲---۰۹۱۸: اگر ممکن است هر هفته به معرفی فیلم‌های ایرانی از دهه‌های پیش بپردازید.

۳۰۶۳---۰۹۳۷: اگر ممکن است در قاب کوچک با بازیگران سریال «بچه‌های نسبتا بد» گفت‌وگو کنید.

گفت‌وگو با دست‌اندرکاران سریال‌های روی پرده در صفحات میانی روزنامه جام‌جم انجام می‌شود.

۳۱۶۵---۰۹۱۸: سلام، لطفاً با گویندگان اخبار و گویندگان رادیو مصاحبه کنید. مصاحبه با خبرنگارهای رادیویی هم فراموش نشود. با تشکر.

۷۳۰۳---۰۹۱۲: سلام، نوشته بودید رسانه ملی قصد راه‌اندازی شبکه موسیقی ندارد، اما از دی ۸۶ شبکه رادیویی آوا فعالیت خود را شروع کرده و به صورت ۲۴ ساعته موسیقی پخش می‌کند.

منظور ما راه‌اندازی شبکه دیجیتال تلویزیونی موسیقی بود، نه شبکه آوا.

۲۴۸۸---۰۹۱۸: از مدیریت محترم شبکه‌های آی‌فیلم و تماشا درخواست می‌کنم پس از پایان ایام سوگواری، مجموعه‌هایی چون نقطه چین، قهوه تلخ، مرد هزار چهره و... را در برنامه پخش قرار دهند.

۵۹۲۶---۰۹۳۵: با سلام و تشکر. من علاقه زیادی به گویندگی و حضور در رادیو دارم. لطفاً در قاب کوچک مرا راهنمایی کنید.

۹۹۱۵---۰۹۱۴: مختارنامه از مجموعه‌های ممتاز تلویزیونی است و پخش هر ساله آن هم برای ما جذابیت دارد.

۱۳۷۹---۰۹۱۳: با قدرت‌الله ایزدی (رشید) بازیگر اصفهانی گفت‌وگویی منتشر کنید.

۷۶۱۰---۰۹۳۳: با مطلبی که درباره بازپخش سریال‌های قدیمی نوشته‌اید موافقم. پخش کارهای خوب تلویزیونی برای ما جذاب است، همچنان که همه دنبال دیدن فیلم‌های قدیمی هستند.

۸۸۵۶---۰۹۱۳: قبلاً در قاب کوچک با هنرمندان پیشکسوت مصاحبه می‌کردید، بهتر است این روند را ادامه بدهید. در ضمن لطفاً صفحه‌ای برای نقد سریال‌های قدیمی ایرانی اختصاص دهید.

۵۴۳۱---۰۹۱۲: خیلی دوست دارم در قاب کوچک با گویندگان رادیو بیشتر مصاحبه کنید، بخصوص گویندگان اخبار.

۷۶۱۲---۰۹۱۲: به نظر من «شاه‌گوش» ارزش دیدن ندارد و از سریال «مختارنامه» چند قدم عقب‌تر است.

۸۷۱۲---۰۹۱۲: قاب کوچک یادداشت‌های خوبی درباره تله‌فیلم‌هایی که از تلویزیون پخش می‌شود، منتشر می‌کند. اگر ممکن است با عوامل و بازیگران فیلم‌های تلویزیونی هم گفت‌وگو داشته باشید.

گفت‌وگو با عوامل سازنده فیلم‌های تلویزیونی را در گزارش‌های پشت صحنه تقدیم شما خواهیم کرد.

۳۴۱۲---۰۹۳۵: با عوامل و بازیگران مجموعه شاه‌گوش گفت‌وگو کنید.

۷۸۱۱---۰۹۳۰: لطفاً با عوامل برنامه‌ساز رادیو پیام و گویندگانش بویژه آقای صالح علا گفت‌وگو کنید.

۶۰۹۵---۰۹۱۲: چرا صفحه دوبله از قاب کوچک حذف شد. به نظرم گفت‌وگو با دوبله‌ها و گزارش پشت صحنه دوبله‌ها جذاب بود.

بخش دوبله از قاب کوچک حذف نشده، اما دیگر در صفحه ثابتی ارائه نمی‌شود. حتماً در قالب گزارش و گفت‌وگو به دوبله خواهیم پرداخت.

دنی بویل سریال تلویزیونی می سازد

دنی بویل، فیلمساز اسکار گرفته انگلیسی تبار سینما با رسانه تلویزیون کشور خود همکاری می کند. او برای شبکه چهار تلویزیون انگلستان، اولین قسمت مجموعه تلویزیونی «بایبلون» را کارگردانی خواهد کرد. طبق سنت همیشگی مجموعه های تلویزیونی خارجی، اولین اپیزود هر یک از آنها یک فیلم سینمایی تلویزیونی با زمان تقریبی یک ساعت و نیم است. از این فیلم های سینمایی تلویزیونی با نام Pilot اسم برده می شود و در آنها کاراکترهای اصلی قصه مجموعه و حال و هوای کلی آن به صورت کامل به تماشاگران معرفی می شود. هنوز معلوم نیست دنی بویل در کنار کارگردانی اپیزود اول بایبلون با بقیه اپیزودهای آن هم همکاری خواهد داشت یا خیر. رسانه های گروهی انگلستان می نویسند شبکه چهار تلویزیون این کشور اروپایی مدت هاست قصد دارد مجموعه بایبلون را تولید کند. از این مجموعه به عنوان یکی از بهترین و پسر و صدترین مجموعه های جدید انگلیسی اسم برده می شود. سام بین و جسه آرمسترانگ (نویسندگان فیلمنامه مجموعه پربیننده «پیپ شاو») کار نگارش فیلمنامه بایبلون را انجام داده اند. با آن که آنها فیلمنامه خود را حدود هشت ماه قبل تحویل تهیه کنندگان آن دادند، اما به دلایل نامعلومی تاریخ شروع فیلمبرداری مجموعه اعلام نشده، اما طی چند روز گذشته تهیه کنندگان مجموعه، اطلاعات تازه ای درباره آن منتشر کرده اند. در کنار اعلام نام دنی بویل به عنوان کارگردان اپیزود اول بایبلون، نام بازیگران اصلی آن هم اعلام شده است. بریت مارلینگ، جیمی نسیبت و آدام دیکان از بازیگران مطرح تلویزیون انگلستان، نقش های اصلی بایبلون را بازی می کنند.



گفته می شود به احتمال زیاد چند بازیگر تلویزیونی آمریکا هم به عنوان بازیگر مهمان در اپیزودهای مختلف آن ظاهر شوند. به گفته مدیران شبکه چهار تلویزیون انگلستان، بایبلون در شش اپیزود تولید و فیلمبرداری خواهد شد و صاحب فصل های تازه هم نخواهد شد. کل صحنه های مجموعه در لوکیشن های مختلف شهر لندن فیلمبرداری می شود و این شهر، حضور و نقش مهمی در رویدادهای قصه دارد. دنی بویل و بقیه کارگردانان مجموعه (هنوز کسانی که باید اپیزودهای دیگر مجموعه را کارگردانی کنند، انتخاب و معرفی نشده اند) تمام قسمت های آن را به شیوه مستند کار خواهند کرد. به این ترتیب، حال و هوای مجموعه شبه مستند خواهد بود و تماشاگران با تماشای آن احساس خواهند کرد در حال دیدن مجموعه مستند داستانی هستند. اوایل سال جدید میلادی برای شروع کار فیلمبرداری بایبلون تعیین شده است و خود مجموعه در ژانر پلیسی و اکشن تولید می شود. قصه مجموعه قصد دارد نگاهی صادقانه به نیروی پلیس در شهر لندن و در

اداره پلیس شهر لندن کمک خواسته اند و قرار است ماموران اداره پلیس در نقش های خودشان جلوی دوربین مجموعه بازی کنند. آنها نقش های مکمل، فرعی و کم اهمیت مجموعه را بازی خواهند کرد. قصه مجموعه به زبانی درام، ماجراهای مختلف اداره پلیس را تعریف می کند و به تصویر می کشد. شرکت فیلمسازی دنی بویل هم در تولید بایبلون همکاری دارد. حضور رابرت جونز، تهیه کننده فیلم های مطرح «مظنونین همیشگی» و «چیزهای کثیف کوچک» میان تهیه کنندگان مجموعه، این امید را در دل منتقدان تلویزیونی ایجاد کرده که یک کار تمیز و باکیفیت تلویزیونی در معرض دید و قضاوت تماشاگران قرار گیرد. همکاری دنی بویل به عنوان کارگردان با رسانه تلویزیون در حالی است که وی بیش از ۱۲ سال است به عنوان تهیه کننده و مدیر تولید با مجموعه های تلویزیونی همکاری دارد. او در ارتباط با همکاری اش با رسانه کوچک می گوید: «فرقی بین تلویزیون و سینما نمی بینم و عقیده دارم باید با هر دوی آنها همکاری کرد. بعضی وقت ها بعضی حرف ها را در تلویزیون راحت تر می توان بیان کرد. بعضی وقت ها در تلویزیون، حساسیت یا تعصب خاصی نسبت به کار در هیچ یک از این دو ندارم. همیشه کار به عنوان کارگردان را در تلویزیون دوست دارم و هر زمان احساس کنم فیلمنامه خوبی در اختیارم هست، در مقام کارگردان پشت دوربین مجموعه های تلویزیونی قرار خواهم گرفت. اگر دقت کنید، می بینید طی چند سال اخیر تعدادی از بهترین روایت های داستانی خیالی در مجموعه های تلویزیونی به نمایش درآمده است. پس از خواندن فیلمنامه بایبلون متوجه شدم قصه ای بشدت جذاب را با لحنی واقعگرا تعریف می کند. چنین قصه ای را با این طول زمانی زیاد نمی توان در یک فیلم سینمایی قرار داد. باید آن را به صورت اپیزودی و در دل یک مجموعه تلویزیونی تعریف کرد. با این حال، در این قصه پیچیدگی خاصی می توان پیدا کرد که مناسب فیلم های سینمایی است، اما می خواهم آن را در یک کار تلویزیونی تجربه کنم. می خواهم ببینم فرصت ها و محدودیت هایم در یک مجموعه تلویزیونی چگونه و چقدر است.

تماشاگران سینما و تلویزیون دنی، بویل را برای درام اجتماعی میلیونر زاغه نشین می شناسند. او برای این فیلم در سال ۲۰۰۸ جایزه اسکار بهترین کارگردانی را گرفت. خود فیلم هم که جایزه اسکار بهترین فیلم سال را دریافت کرد، درباره نوجوانی است که در یک مسابقه هوش تلویزیونی پربیننده شرکت می کند و ناخواسته به تمام پرسش های مجری، پاسخ های درست می دهد و جایزه بزرگ نقدی آن را دریافت می کند. این محصول مستقل سینمای انگلستان که در هند و با حضور بازیگران هندی ساخته شده، بیش از صد میلیون دلار در آمریکای شمالی فروش کرد.

آمریکایی است که قدرت دید و تخیل زیادی دارد. لیز گراوی که سابقه کار رسانه ای خوبی هم دارد، قصد دارد در واحد پلیس شهر لندن انقلابی تازه راه بیندازد و سیستم کاری آن را تغییر دهد. به اعتقاد وی، رسانه های گروهی می توانند کمک بسیاری به اداره پلیس کنند و ارتباط نزدیک دو طرف کمک می کند میزان جرم و جنایت در سطح شهر کاهش زیادی پیدا کند. به باور لیز گراوی، مشکلات اداره پلیس هم می تواند مثل رویدادهای مهم سیاسی به خبر فوری (breaking news) تبدیل شود. گفته می شود سازندگان مجموعه برای تولید آن از

تمام سطوح آن بیندازد. به این ترتیب، نیروهای اداره پلیس ماموریت های مختلف خود را دنبال خواهد کرد. ریچارد میلر شخصیت اصلی قصه مجموعه (با بازی جیمی نسیبت) یک افسر مسئول پلیس است که هر روز با دردها و مشکلات تازه و متنوعی روبه روست. او تلاش می کند وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد و رسانه های گروهی او را سخت زیر نظر دارند و اقداماتش را به شکلی گسترده بازتاب می دهند. ریچارد میلر بتازگی کسی را پیدا کرده که می تواند بیشترین کمک را به او در فعالیت های پلیسی اش بکند. این فرد کسی نیست جز لیز گراوی (با بازی بریت مارلینگ)، او یک زن جوان

شبکه تلویزیونی در خیابان



ورودی این ساختمان زده شد، به معنی بسته شدن و تعطیلی کامل فعالیت های آن بود. این اقدام پس از جدل چند ماهه کارمندان شبکه تلویزیونی ارت با مسئولان دولتی صورت گرفت. اختلاف دوطرف،

شبکه تلویزیونی ارت (ERT) یونان باز هم درسرساز و جنجال آفرین شد. هفته گذشته ماموران دولتی با حضور در دفتر بزرگ این شبکه تلویزیونی، آن را اشغال و تعطیل کردند. قفل بزرگی که بر در

جمعیت گسترده ای جلوی دفتر شبکه تلویزیونی ارت تشکیل شد. کارمندان شبکه ارت می گویند تا زمان بازگشایی دوباره دفتر شبکه به تجمع خود در این محل ادامه می دهند و برنامه هایشان را از فضای آزاد خیابان برای تماشاگران شبکه پخش خواهند کرد. حادثه اخیر مورد توجه محافل رسانه ای در اروپا قرار گرفته و شبکه های مختلف تلویزیونی کشورهای قاره اروپا، گزارشگرهای خود را برای پوشش خبری این حادثه به یونان اعزام کرده اند. هنوز معلوم نیست مسئولان دولتی یونان در ارتباط با حادثه اخیر، چه واکنشی از خود نشان خواهند داد.

تایپوگراف

نظر و پیشنهاد خود را درباره این ضمیمه به نشانی تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر روزنامه جام جم یا پست الکترونیکی ghabeekoochak@jamejamonline.ir بفرستید یا به شماره ۳۰۰۱۱۲۲۱ پیامک بزنید.